ماهنامه
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دی ماه ۱۳۴۵ — دورهٔ ششم شماره بیست و دوم

درود به خلق قهرمان ویت نام!

یك سال دیگر بر جنگ طالمانه و تجاوزکارانه امریکا در ویتنام گذشت. دراین سال افکار عمومی جهان به مقیاس بسابقه ای تجاوز وحشیانه امریکا را در ویتنام محکوم کرد. به جرئت میتوان گفت که هیچگاه چنین سیلی از نفرت و چنین خشم مقدسی ازطرف جامعه مترقی بشری متوجه حکومت متجاوز امریکا نبوده است. نگرانی مردم جهان از توسعه و ادامه جنگ در ویت نام، علاقه آنها بصلح و آرامش، ستایش آنان ازقهرمانی، سرسختی و دلاوری مردم ویت نام در برابر بزرگترین نیروی نظامی و اقتصادی دنیای سرمایه داری و حقانیت آنها در دفاع مشروع از آزادی و استقلال خود، میلیونها نفر را بدفاع از مردم ویت نام برانگیخت. صدها تظاهر و میلیونها نامه اعتراض آمیز علیه سیاست جانسون در تمام پهنه گیتی نمودار آن پشتیبانی معنوی است که از خلق دلیر ویت نام بعمل میآید.

در امریکا ناخشنودی مردم از سیاست ماجراجویانه و ضد انسانی جانسون دامنه‌دارتر شد. هنرمندان، دانشمندان و روحانیون از دولت خواستند که بتجاوز خود در ویت نام پایان دهد. تظاهرات توده ای وسیعی در شهرهای بزرگ امریکا علیه سیاست دولت بعمل آمد. در آستانه سال نو تظاهر کنندگان کاریکاتورجانسون‌را درنیویورك آتش زدند. پاشگاه کالوب امریکائی که روزگاری اکثریت مردم را طرفدار سیاست دولت در ویتنام میدانست ناچار شد اقرار کند که بر اساس تحقیقات تازه ۸۰ در صد از مردم امریکا مخالف این سیاستند.

توسعه تدریجی جنگ ویت نام ازطرف پنتاگون، پیاده کردن مداوم نیروهای ارتشی امریکا در ویتنام، بمباران وسیع ویتنام شمالی و از جمله بمباران هانوی پایتخت جمهوری دموکراتیك ویتنام، بمباران بیمارستانها، مدارس و مردم غیرنظامی، پخش مواد سمی در کشتزارها بمنظور ایجاد قحطی، پرتاب بمبهای سوزان نایالم و بمبهای گاز دار وسمی کنرین خللی در روحیه شکست ناپذیر خلق فداکار و قهرمان ویتنام وارد ننمود بلکه آنها را در دفاع از آب و خاك و آزادی خویش پایدارتر کرد. از لحاظ نظامی تلفات امریکائیان اوج گرفت و کوچکترین موفقیتی با استراتژی «جنگ مخصوص» بدست نیاوردند. پارتیزان ها و قوای منظم ارتش آزادیبخش مواضع خود را علیرغم حملات وسیع زمینی وهوائی و ویرانی ارتش امریکا و ارتش مزدور کائوکسی حفظ کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۸

برای پیروزی بر انحصارگران نفتی باید با قاطعیت مبارزه کرد

«قرارداد موافقتنامه جدید بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت بار دیگر جنجال تبلیغاتی در باره «پیروزی بزرگ شاهنشاه آریامهر» آغاز شده است. بررسی زیر کوشش است برای ارزیابی موافقتنامه جدید تا در نتیجه ماهیت این باصطلاح پیروزی نیز روشن گردد.

اختلاف بر سر چه بود، وچگونه بوجود آمد؟

تاریخ واقعی بروز اختلاف بین ایران و کنسرسیوم به سال ۱۳۳۷ برمیگردد. منشاء اصلی بروز اختلاف ناشی از مجموعه سیاست رژیم در زمینه های گوناگون بویژه در امور اقتصادی است.

منابع درآمد رژیم عبارت است از: مالیات مستقیم و غیر مستقیم، درآمد نفت، صادرات بازرگانی، وام خارجی و «کمك» امریکا. مصارف دولت عبارتست از: بودجه دستگاه دولتی و بودجه عمرانی سازمان برنامه. ولی آن منابع کفاف این مصارف را نمیدهد، زیرا اولا درآمد ها بقدرتی مورد استفاده قرار نمیگیرد، بخش مهمی از آن برای واردات کالاهای غیر ضروری پرداخته میشود. بخش مهمی صرف مخارج نظامی و دستگاه اداری میگردد، آن قسمتی هم که صرف امور تولید و عمرانی میشود در منابع کاذبی، که باید باید سعی یك اقتصاد سالم را بی ریزی کنند، بکار نیافتد. ثانیا سیاستی در پیش گرفته شده که درآمد ها را باز هم بهتر میدهد: سیاست درهای باز همچنان ادامه دارد. مخارج نظامی و دستگاه اداری افزایش مییابد. هنوز هم نقشه جامعی برای صنعتی کردن کشور بوجود نیامده است. بهمه اینها دردیها و جیب و میل هائی هم که انجام میگیرد، و بنا به اعتراف خودشان کم هم نیست، باید افزود. نتیجه اینکه دولت دچار کسر بودجه مزمن است. فاصله درآمد ها و مصارف زیاد و میشود. در یك کلمه رژیم پول میخواهد تا بتواند این فاصله را پر کند. تدابیر رژیم برای نیل به این هدف بقرار زیر بوده است:

تضمین گارم را رژیم با گرفتن وام خارجی و «کمك» پرداخت. ولی این سیاست در سالهای اخیر با مشکلات بسیاری روبرو شده است. اولا کارگران قرضه بخاطر کشید که اکنون ایران بیش از آنچه که قسط وام دریافت میکند، قسط وام میپردازد. ثانیا «کمك دهندگی» امریکائی دیگر مانند سابق پول نمیدهند و اگر هم حاضر باشند، بصورت وام با بهره سنگین است نه «کمك بلاعوض». ثالثا برای دادن وام هم وام دهندگان خارجی، بشروطه معامله‌ای میخواهند که برای آنها این بشروطه فقط در آمد نفت است و آنهم برای وامهای گذشته از پیش «متعلقات» شده، و لذا منابع تازه ای وجود ندارد.

سپس بنا به توصیه امریکائیان بسراغ مالیات رفتند. ولی از افزایش مالیات مستقیم بلافاصله صرفنظر کردند چون صدای اعتراض طبقات حاکمه پشتیبان رژیم‌شان بلند شد. بنابجار مانند همیشه، بار با یدوش زحمتکشان گذاشته و بیشتر بار بر مالیات غیر مستقیم افزودند. ولی اینکار در هماهنگی که با نارضایتی مردم و تشدید میکند و «خطرناك» است نمیتواند جای خالی را پر کند، چون درآمد متوسط سرانه سالیانه (که تازه بنا بادعای سخنگویان دولت بالغ بر ۱۸۰ دلار است) در ردیف کمترین درآمد ها در جهانست و رقابت جنگی زیادی برای تحمیل بیشتر بالی میگذارد. صادرات بازرگانی ایران نیز بعلت سیاست درهای باز و رقابت در بازار های خارجی و وضع بد محصولات کشورزی ایران (که اقلام عمده صادرات است) در وضع شدیدی است و بهیچوجه نمیتوان برای درآوردن پول به آن امیدی بست. نتیجه اینکه رژیم بطور عمده فقط درآمد نفت را وسیله برگردن فاصله قرار داده است. رژیم که جرأت مقابله با کنسرسیوم را برای کم کردن قدرت وی نداشت، نفست بالا بردن در آمد نفت ایران را با به حراج گذاشتن سایر منابع نفتی ایران آغاز کرد. نتیجه اینکه هم اکنون در خاورمیانه و منطقه نفت‌خیز

بقیه در صفحه ۶

پاسخ رفیق برژنف

روزنامه پراودا از ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متن نامگرافی را که کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین سال تولد لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشته بود در شماره ۲۲ دسامبر سال ۱۹۶۶ روزنامه درج کرد.

رفیق برژنف در پاسخ تبریك کمیته مرکزی ما بمناسبت شصتمین سال تولد وی، پاسخ زیرین را ارسال داشت:

به کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفقای عزیز!

از شادیانی گرم و آرزو های نیك آن رفقا بمناسبت شصت سالگی خود صمیمانه سپاسگزارم. رفقا برای شما کامیابی بیشتر در مبارزه برای امر مشترکمان آرزو میکنم.

با سلام کمونیستی - ل. برژنف

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بنا بدعوت جامعه کمونیست های یوگوسلاوی از تاریخ ۱۴ تا ۲۱ آذر ۱۳۴۵ (۵ - ۱۲ دسامبر ۱۹۶۶) هیئتی بنمایندگی از طرف بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمنظور مطالعه در امور اقتصادی و اجتماعی جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگوسلاوی وشیوه‌های ساختمان سوسیالیسم در آن جمهوری بکشور مزبور مسافرت نمود. در مدت یك هفته توقف خود در جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی، هیئت نمایندگی حزب ما امکان یافت که از برخی

بقیه در صفحه ۲

پیام حزب کمونیست سوریه باحزاب کمونیست برادر و به نیروهای ترقی و صلح در تمام کشورها

نامه زیرین را کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه برای ما فرستاده است. خود نامه که تشریح بلیغی است از «وضع کنونی نیاز بهیچگونه توضیح اضافی ندارد». در یك کلمه امپریالیستهای امریکا و انگلیس، بهمراه اسرائیل و مرتجعین جهان عرب میخواهند جمهوری ملی وضد امپریالیست سوریه را که «جسارت ورزیده» و خواستار استقلال سیاسی و اقتصادی شده است مختنق سازند. امپریالیستهای امریکا و انگلیس با ایجاد محیط حاد خصمانه علیه جمهوری سوریه در خاور میانه مایلند نیو کسران مرتجع خود را در داخل کشور به توطئه و کودتا تشجیع کنند و مانع قوام و استواری نظام ملی و دموکراتیك در خاك سوریه شوند. برای ما ایرانیان این تذکار، تکرار داستان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق است.

کودتای امپریالیستهای امریکا علیه حکومت ملی آربنس در گواتمالا و کولادر در برزیل نیز از همین قماش بود ولی روشن است که اکنون شرایط برای امپریالیستها و مرتجعین خاور میانه بمراتب نامساعد تر است.

احساس همبستگی و همدردی ما نسبت بمردم استقلال طلب و آزادی دوست سوریه

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۱

برای پیروزی بر انحصارگران نفتی باید با قاطعیت مبارزه کرد

کنسرسیوم شرکتهای متعدد نفتی مشغول فعالیت اند. که البته اکثر آنها مستقیم و غیر مستقیم وابسته به کاپیتال بین المللی نفت یعنی اعضاء اصلی کنسرسیوم هستند. ولی این شرکتها تازه شروع بکار کرده اند و هنوز بهره برداری آنها از نفت ناچیز است و بنا بر این درآمد حاصله در حال حاضر چارهٔ درد نمیتواند باشد. در همین موقع بود (۱۳۳۷ - ۱۳۳۸) که دو باز تقلیل بهای نفت از طرف کنسرسیوم بدون اطلاع ایران انجام گرفت. رژیم که در پی افزایش درآمد نفت بود با تقلیل درآمد نفت روبرو شد. نتیجه اینکه رژیم بدون اینکه خود بخواهد در مقابل کنسرسیوم قرار گرفت. بدیهی است که این «مقابله» جدیه، که درسته و داشت. (مدعیان رژیم تأکید کردند که قرار داد کنسرسیوم را محترم میشمارند. که آنها این بود که «دوستان» باید «وضع خاص ایران» را درک کنند. یعنی رژیم کنونی ایران که «دوست خوب است» و جای مهمی را از «اقلم موقع سیاسی و استراتژیک در مبارزه بر ضد کمونیسم» در خاور میانه بازی میکند باید بهر ترتیب سرپا نگهداشته شود. خلاصه اینکه «دوستان» باید بخاطر «وفاداری» رژیم بوی کمک کنند نه اینکه حتی وی را در مضیقه بگذارند. تقاضای ایران عبارت بود از «گرداندن بهای نفت بسطح قبل از ثوت ۱۹۶۰» درواقع بهره «مالکانه» بعقیدهٔ ۱۱-۱۲ سنت برای هر بشکه نفت ؛ چه! و علاوه بر ۵۰ درصد مالیات و حذف هزینه «ارزیابی» . پس از چهار سال مذاکره سر انجام قرارداد الحاقی در بهمن ۱۳۴۳ به تصویب رسید که طی آن تقاضاهای اولیه ایران بدین صورت مورد موافقت کنسرسیوم قرار گرفت : بازپرداخت بهره مالکانه فقط بمقیاس ۵ سنت در ۱۹۶۵ و ۶ر۵ سنت در ۱۹۶۶ موافقت شد. هزینه بازاریابی بین دفرت بایکه تقلیل یافت و به ۵ر۰ در هر بشکه رسید. مسئله قیمتها هم که مسئله اصلی بود ؛ مسکوت ماند یعنی کنسرسیوم اصلا آنرا نپذیرفت.

در آنموقع هم فریاد پیروزی ، مجلل خوانی بلند بود. ولی مقایسه تقاضاها ی ایران با آنچه که عملا بدست آمد نشان داد که ایران حتی از تقاضاها ی محدود خود هم عقب نشینی کرد. اهمیت این عقب نشینی از آنجهت نیز حائز اهمیت بود که ایران - که بعلت پشتیبانی برخی از اعضاء اولیت مانند عراق و اندونزی و ونزوئلا - توانسته بود تقاضا های خود را مطرح کند؛ علیرغم مخالفت همین اعضاء که پیشنهاد های کنسرسیوم را شاقی نمیدانستند، قرارداد الحاقی را امضا کرد و یکی از عوامل اصلی فلج کردن کار ایران شد.

ولی این درآمد جدید هم مردمی را دوا نکرد. مخارج بالا رفت و بودجه نتوانست بکار رژیم برای آنکه آمریکا مانند سابق بجائی به ایران اسلحه بدهد برسد.

رژیم که با اتفاق قرار داد الحاقی باز دیگر تسلیم شده و دست خود را برای طرح تقاضا در زمینه قیمت و بهره مالکانه - که میتواند نقش مهمی درباله برون سهم ایران از در آمد نفت داشته باشد ؛ بسته بود بنگر اتفاد که از راه تقاضاهای بالا برون تولید نفت ، در آمد خود را افزایش دهد . اعتلاف جدید از اینجا شروع شد.

در کنفرانس لیبی کشور های صدور لوبیک موافقت کردند که افزایش تولید نفت ایران در سال ۱۹۶۵ - ۶۴ درصد کل اضافه تولید نفت خاورمیانه باشد که ۱۷ر۸ درصد تولید نفت ایران درسال ۱۹۶۴ بود ؛ بعداً دولت ایران رسماً از کنسرسیوم خواست که سالانه ۱۷ر۵ درصد نفت ایران را افزایش دهد. ولی کنسرسیوم در این تقاضا اعتنائی نکرد و تولید نفت بین ۱۱ - ۱۲ در صد افزایش یافت. در اینجا بود که فریاد گله آمیز شاه وسایر مقامات وابسته برژیم بلند شد. بلا هم از « اهمیت » ایران برای غرب و « وفاداری » ایران و « بی انصافی دوستان » صحبت بمیان آمد.

موافقنامه جدید

پس از مدت و آمده بسیار موافقنامه جدیدی امضا شد. موافقنامه جدید پیش بینی میکند که اضافه تولید نفت ایران در سالهای ۶۷ و ۶۸ - ۱ر۲ در صد خواهد بود. در هماهنگی کنسرسیوم طی ۵ سال آینده ۲۰ میلیون تن نفت بیشتر تولید میکند و به ایران میفروشد تا ایران بتواند خود آنرا در بازار های خارجی بفروش برساند. بیست در صد از اراضی تحت اختیار کنسرسیوم نیز ؛ بنابه اطلاعات خود کنسرسیوم ، به ایران پس داده میشود تا ایران بتواند در این منطقه به اکتشاف وبهره برداری بپردازد.

باز هم تسلیم طلبی

موافقنامه جدید آنگونه انتقاد ناگه که شاه و رژیم حتی به آن هدفهایی معتدود و سازشکارانه ای که مطرح ساخته بودند نرسیدند. زیرا اولا تقاضای اصلی مبنی برافزایش تولید تا میزان ۱۷ر۵ در صد پذیرفته نشده است. ثانیاً فروش ۲۰ میلیون تن نفت به ایران اختیاری نیست زیرا از یکطرف طبق قرارداد کنسرسیوم ایران حق داره ۱۱ر۵ درصد از تولید نفت را برداشت کند و خود مستقلا بفروشد. از طرف دیگر ایران برای این ۲۰ میلیون پول میپردازد. بازگرداندن ۲۰ درصد از متعلق نفتی نیز به انتخاب ایران نیست و معلوم نیست کنسرسیوم چه پیشنهادی را به ایران باز پس میدهد. گذشته از این اکتشاف و استخراج و بهره برداری از این منطقه خود مستلزم سرمایه گذاری سنگین و جدیدی است که ایران فاقد آنست و تازه بفرض که اینکار هم انجام گیرد ؛ نتیجه آن فوری بدست نمیاید. فریاد و پیروزی ، وخدمداران رژیم در واقع برای پوشاندن این ناکامی است.

نقش کشورهای سوسیالیستی

نکته جالبی که در سالهای اخیر در مذاکرات نفت و بویژه در مذاکرات اخیر بچشم میخورد نقش کشور های سوسیالیستی است. دولت ایران نخستین بار در « تهدیدات » خود نیست که بنقش کشور های سوسیالیستی را بمیان کشید. پدین معنی که اعلام کرد در صورتیکه کنسرسیوم بخواستهای ایران پاسخ مثبت ندهد ایران مجبور است کالا های مورد نیاز خود را از کشور های سوسیالیستی وارد کند و در این کشورها بیازار برای فروش نفت خود رود. به این « تهدید » چه زمامداران رژیم بخواهند و چه نخواهند، چه عملی شود وچه عملی نشود، بخودی خود نشانه آنستکه برای ایران کوچکترین مقاومت در برابر امپریالیستها بلیه به کشورهای سوسیالیستی تکیه کرد. همینکه رژیم جرات ابراز وجود در برابر کنسرسیوم کرده است ؛ همینکه مجبور شده است برای پیش بردن تقاضا های خود عملا هم به بسط روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و فروش نفت و کار پردازد ؛ همینکه ایران با کمک اتحاد شوروی است که اولین پایه صنایع سنگین را بنیانگذاری کرده است، همینکه تولید نفت ایران مدتی است در حدود ۱۰ میلیون تن بیشتر تولید میشود ؛ همینکه ایران بتواند بدون کمک غرب آسان بفروش برساند ، همینکه ایران بتواند بدون کمک غرب آسان بفروش برساند ، از کلیه این عوامل استفاده کند ؛ چرا این اندازه کافی از این عامل استفاده نمیکند ؛ چرا این عامل بیشتر بوسیله شاه تبلیغ نمیشود ؛ چرا تقاضاهای وی از غارتگران منابع ملی ما صورت بطبقه زشتی و گناه دوستانه دارد ؛ چرا سرانجام طبیرغم ، تهدید ، بما تسلیم میشود ، تنها واقعی ناکامی رژیم خود این قبیل مذاکرات درهمین چیست. در همین جا هم هست که ماهیت ضد ملی و سازشکار رژیم آشکار میشود.

سیاست ملی در نفت چیست ؟

از این برش سلطه انحصارهای نفتی بر منابع نفت ایران و استفاده از این منابع برای تکامل اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم مقابله یک سیاست ملی را در نفت تشکیل میدهد. ولی برای اتخاذ چنین سیاستی ضرورتاً یک حکومت ملی و دمکراتیک لازم است. بنابر این اتخاذ چنین سیاستی را از رژیم کنونی که ضد ملی و ضد دموکراتیک است نمیتوان انتظار داشت بهمین جهت است که اجیاء قانون ملی کردن صنایع نفت بصورت شعار استراتژیک باقی میماند.

ولی ما بر این عقیده ایم که نمیتوان دست روی دست گذاشت ، باید در وضع کنونی شعارهای تاکتیکی داشت و مردم را برای تحقق شعار ملی تاکتیکی - که خود مسوار کردن و آمادگی مردم را برای شعار استراتژیک است - تجهیز کرد. بویژه آنکه موقع بین المللی و وضع داخلی ایران از یکطرف امکان چنین مبارزه ای فراهم میاورد و از طرف دیگر رژیم در این وضع بدترین راه حل ها را برای رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران در برابر امپریالیستها انتخاب میکند. مثلا تقاضای افزایش تولید برای افزایش درآمد نفت بدترین راه حلی است که میتوان انتخاب کرد. زیرا هر گونه افزایش تولید نفت در شرایط اجراء یک سیاست اقتصادی ضد ملی وابستگی ایران را به درآمد نفتی که تحت تسلط امپریالیست هاست زیادتر میکند و عواقب شوم این وابستگی روشن است در حالیکه در همین وضع کنونی میتوان انحصارگران نفتی را بعقب نشینی های جدی واداشت. البته برای رسیدن بدین هدف باید بر ضد انحصارگران با قاطعیت مبارزه کرد و از تمام نیرو هائی که میتوانند در این مبارزه بر و تکیه کاه باشند و قبل از همه مردم و (دوم که سوسیالیست تا آخرین حد امکان استفاده کرد . ولی رژیم بنا بر ماهیت خود ناتوانی خویش را حتی در حل مشکلات حاد خود عملا نشان داده است سکر زمانی که بدان مجبور کرده . در اینجاست که وظیفه مهمی پرسنال و همه مبارزان - ضد رژیم برای مبارزه در راه شعار ملی تاکتیکی بر هم اهمیت بیشتری کسب میکند. مبارزه مردم و قشار آنها بنحوی (ازانحاد در اختلافات درون هیئت حاکمه بطور عینی مؤثر است ، و بنوعاند در جهت دمبنی امر بخش شود.

« ما اینشعار ملی تاکتیکی را در مقابلهای تحت عنوان « ما و سیاست نفتی رژیم کودتا» (مردم شماره یکم فروردین ماه ۱۳۴۴) تشریح کرده ایم که درایجا با تکمیل برخی نکات بسلو دیگران رابرای باید آوری تکرار میکنیم :

شعارهای تاکتیکی

۱) افشاء بیگانگی و همه جانبه غارتگری امپریالیستی از نفت ایران ، و سیاست نفتی ضد ملی رژیم کودتا که بویژه با استفاده از سریت و بفریب مسائل نفتی میکوشد عقیدهها و سازمانهای خود را خدمت بلوم دهد و افکار عمومی را بفریبد. بهمین جهت عمل افشائی انحصارگران امپریالیست و رژیم کودتا هم در دارای اهمیت و تأثیر بزرگی است.

۲) مبارزه در راه برقراری انقلاب کامل شرکت ملی نفت ایران و ملی کردن و تعیین بهای نفت.

۳) مبارزه برای دریافت هرچه بیشتر درآمد نفت در درجه اول از راه اجبار بهبود شرایط موجود در قرارداد های نفتی برهمه قرار داد ها . مثلا وقتی رژیم ادعا میکند که قرار داد نفتی بما فرانسه بر اساس ۵۰-۵۰ در صد منعقد شده است ، این نسبت باید در سایر قراردادهای نفتی نیز بوجود آید . سپس در یافت بهره مالکانه از کنسرسیوم تا ۲۵ در صد.

۴) مبارزه برای آنکه شرکت ملی نفت ایران بتواند سهم خود را از محصولات نفتی مستقلا در بازار جهانی بفروش برساند . بسخن دیگر کوشش برای ایجاد رابطه مستقیم بین ایران و مصرف کننده بدون واسطه انحصارات نفتی و بهمین منظور ایجاد تولکن تجاری نفتی .

۵) مبارزه برای جلوگیری از دخالت شرکتهای نفتی در امور داخلی ایران امر از سیاسی واقتصادی.

۶) مبارزه برای دفاع از حقوق کارگران صنایع نفت ، بویژه در سلسله افزایش مزد ، آزادی سندیکائی ، بیمه اجتماعی ، مسکن و جلوگیری از اخراج .

۷) مبارزه برای جلبتین کردن هرچه بیشتر کار شناسان ایرانی جای کارشناسان خارجی در صنایع نفت.

۸) مبارزه برای جلوگیری از تخلیل تصفیه نفت در ایران ، استفاده از ظرفیت کامل پالایشگاه آبادان و توسعه آن.

بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی

مؤسسات اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و کشاورزی کشور مزبور دیمن کنه ونیز بامقامات رهبری حزب و اتحادیه های کار گری و مسئولین مؤسسات موردمطالعه درباره شیوه های ساختمان سوسیالیسم در یو گوسلاوی و همچنین درمورد بکرشته مسائل سیاسی و اجتماعی مورد علاقه طرفین بحث و مذا کره نماید.

بیشك بر خوردها ، مطالعات و مباحثات مزبور که همه در محیطی دوستانه و برادرانه انجام یافت برای درك واقعیت یو گوسلاوی و آشنائی با شیوه های ساختمان سوسیالیسم در آن کشور و همچنین برای رفع پاره ای سوء تفاهمات ناشی از قطع رابطهٔ ۱۸ ساله بین دوحزب بسیار سودمند بوده است. مذا کرات توافق نظر طرفین را در مورد بسیاری از مسائل مربوط به جنبش جهانی کمونیستی و کار گری و نیز در باره ساختمان سوسیالیسم در یو گوسلاوی آشکار ساخت.

نخستین نتیجه مهمی که هم اکنون از این برخوردها حاصل گردیده استقرار مجدد مناسبات میان حزب توده ایران و جامعه کمونیستهای یو گوسلاوی است. استقرار این مناسبات صرفنظر از پاره ای ارزیابیهای متفاوت در مورد برخی از مسائل اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی امریست مثبت که به تنها در جهت تحکیم وحدت جنبش کمونیستی و کار گری سیر میکند بلکه موجب تقویت بین المللی مبارزه حزب ما وجنبش آزادیبخش مردم ایران درراه تأمین استقلال ودموکراسی نیز هست.

خوانندگان عزیز توجه فرمائید !

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شنوندگان گرامی رادیو پیك ایران - در ساعات پخش رادیو بشرح زیر تغییر داده شده است :

رادیو پیك ایران همه روزه در ساعت [illegible] و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند. درساعت ۶ بعد ازظهر پس از ارائه برنامه پیك فارسی ، گفتاری کوتاه کمرنی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میبابد. از ۶ و۳۰ دقیقه تا ۷ر۱۵ برنامه بزبان آذربایجانی واز ساعت ۷ر۱۵ و ۷ر۳۰ دقیقه برنامهٔ فارسی پخش میگردد. سپس همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه مییابد. ازخوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات وامواج رادیو پیك ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

بقیه از صفحه ۱

۶) مبارزه برای آنکه درآمد نفت فقط بمصرف امور عمرانی برسد و برای ایجاد صنایع سنگین و صنایع شیمیائی نفت بکار رود.

۷) مبارزه برای آنکه ایران نه فقط در اوپك باقی بماند ؛ بلکه در این سازمان از سیاست ارتجاعی و دولتگرائانه خود دست بردارد و با سایر دولتهای مستقل و ملی علیه قرارداد همکاری کند تا این سازمان بسلاح واقعی مبارزه بر ضد تجاوز و تسلط انحصارات نفتی و دفاع از منافع ایران و تمام دول صدور نفت مبدل شود.

بدیهیاست ما بدون اینکه لحظه ای از مبارزه در راه تحقق شعار استراتژیک در مسئله نفت غافل بشائیم وظیفه خود میدانیم که در طریق لحظه ای از مبارزه برای احقاق حقوق ایران در نفت و اقتصاد سیاست ملی و سازشکارانه رژیم و تجویز کسوف مردم برای وادار کردن انحصارگران نفتی بعقب نشینی دریغ نخواهیم ، ما از همه نیرو های ملی نیز برای مبارزه متحد در این راه دعوت میکنیم. م. توشه

بخش اول این مقاله در شماره پیشین بطبع رسیده است

یادی از جنبش اجتماعی و انقلابی تاریخ کشور ما

اسماعیلیه و حسن صباح اسماعیلیه بطور کلی بان شعبه از شیعه گفته میشود که پس از امام جعفر صادق امام ششم ، بجای موسی بن جعفر پسر دیگر او اسماعیل و پس از مرگ او پسرش محمد را امام میدانند. بدینطریق شیعیان اسماعیلی از شیعیان اثنی عشری از این نقطه جدا و بعد ها خود نیز بشاخه های دیگری تقسیم میشوند. آنچه در عقاید اسماعیلیه مهم است مخالفت با تقیه است که طوریان بآن عقیده داشتند تقیه و سکوت بجای مبارزه و بیشتر صریح عقیده و افکار را اسماعیلیه مردود میدانند و نهاد آنها مبارزه با تمام اشکال آن علیه حکومت عباسیان و حکومتهای تحت نفوذ آنها بود . اسماعیلیه در تمام ممالک اسلامی از جمله در ایران نفوذ فراوانی یافتند و مدتها حکومتی در درون حکومتهای وقت تشکیل دادند. نهضتهای آنها را باطنیه ، قرامطه ، و دزدکیه میخوانند در خراسان آنها را تعلیمیه ، ملاحده و کافس الحاقیه می نامیدند . اسماعیلیه دعوتهای دینی را طرق نظرات اجتماعی خود تعبیر میکردند در سال ۲۹۷ ه . یکی از دعات اسماعیلیه موفق شد که افریقا را از انحاط حکومت عباسی برهاند و سلسله فاطمیه مصر را بوجود آورد مبارزه اسماعیلیان و طرز فعالیت سازمانی داعی آنها در ممالک اسلامی و بخصوص در ایران چنان مرموز بود که پاسخ ، شجاعانه ، مدبرانه و عادلانه است که پس از قرنها میتواند نمونه و سرمشق خوبی برای مبارزات پنهانی در شرایط ترور و اختناق قرار گیرد اسماعیلیه پذیرا کردن علوم زمان علم علاقه فراوان داشتند و در نهایت ترویج آن در بین پیروان خود و مردم مسلمی فراوان کردند و بهمین دلیل گروهی دانوان العقاد و یا علوم پنجاه و یک جلد رساله در زمینه فلسفه و علوم تألیف و معرفه علم و بلاد اسلامی منتشر کردند از اسماعیلیان میدانند. ایرانیان بطور کلی در مسئله امامت و ساختن و پرداختن اصول و فروع آن علاقه اصلی بودند وقسمتی از عقاید مانوی و زرتشتی را در افکار و عقاید شیعه وارد کردند . مؤسس اسماعیلیه ایران ، حسن صباح اصلا از اهالی ری بود که خانواده او به تشیع مهاجرت کرد. نهضت اسماعیلیه ایران از لحاظ سیاسی جنبشی علیه حکومت ترکان در ایران و در عین حال علیه دیوان خلافتی عباسی بود حسن صباح و پیروان او چنان سازمان محکم و متینی و طرح و استحکامات دفاعی" بوجود آوردند که مدتی توطیات بدو قرن در سرزمین ایران بخصوص در نواحی دور از دسترس دولت پایداری کرد و چنان نفوذ و قدرتی بدست آوردند که حکومت عباسی وقت دائم از آنت در بیم بودند و اسماعیلیان کشته رفیق را در بین خود نوشاد دادند و رفقا آنها نسبت بهم واقعاً رفیقانه بود . تلخص کار آنها در این بود که بجای اعلام جمهوری توده ها و کشاندن آنها بمبارزه وسیع توده‌ای به ترور کنجکاوی سازمانهای مخفی خود در دستگاههای دولتی و توشتن برای جلب امرا اهمیت قائم دادند و بلین دلیل با وجود اینکه گاهی مشرب زورزدهم میزدیا مرغم نفوذ قوی افدامهای که داشتند کوشیدند بهدف اصلی خود که ایجاد کشور و حکومت واحدی در ایران باشد برسند تاآنکه هلاکو خان مغول قلاع آنها را در هم کوبید و مرکز آنها را در الموت از بین برداشت .

جنبش قرمطیان قرامطه مسلمانی از اسماعیلیانند که معتقد بامامت محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق بودند . در سال ۲۷۶ هجری ، ابو سعید حسین بن بهرام جنابی قرمطی ، در بحرین بر ضد خلفای عباسی قیام کرد و مدتی مدید خود و خانواده‌اش که همه ایرانی بودند جانبازی و پیشرفتی از امرای محلی مشرق را بخود مشغول داشتند. ابوسعید طرفداران خود را بجنگ و گریز با یاصطلاح امروز جنگ پارتیزانی عادت داد و مکرر سرداران عباسی را چنار شکست کرد . ابوسعید دامنه متصرفات خود را توسعه داد و در سال ۳۰۴ ه کشته شد . پس از او ابو طاهر سلیمان ، برنامه توسعه طلبی خود را توسعه داد و در سال ۳۰۶

بقیه از صفحه ۱

در شانزدهمین دوره اجلاسیه
شورای عمومی سندیکای جهانی

بشر مبارزه میکنند . کشور هائی که در راه بیطرفی مدت گام برمیدارند به پیشرفتهای بزرگی نائل گشته‌اند. اما استعمارگران برای حفظ مواضع خود و یا برای ایفاء مواضع پیشین بهر وسیله ای متوسل میشوند اعمال‌شان اعتصاب و حتی اجلاوز ماهی از شیوهٔ متداول آنها است . جریانات سودان ، کنگو و غنا نمونه هائی است که مداخلات امپریالیستها را نشان میدهد . استعمارگران میکوشند ، اینهای استقلال طلب این کشور ها را برانقلابیه بجای آنها دولت های سر سپرده بنشانند . سندیکاها که پرولتر در افریقا متحرک ترین و بطور اسبی مشکلترین نیرو است در برابر تهدیدات و توطئه های امپریالیستها مقع جدی بشمار میرود و بدین سبب هم اطراف ارتجاع داخلی و هم از طرف استعمارگران بیکنند آماج حملات شدید میباشد . با این وجود تجربه جنبش سندیکائی بین المللی نشان میدهد که هیچ نیروی ارتجاعی قادر نیست از بسط و گسترش جنبش سندیکائی جلوگیرد .

اظهارات نماینده کارگران ایران

رفیق روستا عضو کمیته اجرائیه و شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی در بحثی که در پیرامون گزارش رفیق تاسو انجام گرفت شرکت کرد . رفیق روستا طی نطق خود بمناسبت پیوستن فدراسیون کل اتحادیه های سوریه به فدراسیون سندیکائی جهانی و همچنین بمناسبت اینکه زحمتکشان سودان و لبنان موفق شده‌اند در نتیجه مبارزه طولانی رسمیت قانونی مراکز سندیکائی خود را بدولتهایی . خود تحویل کنند بزحمتکشان ، و همه نیرو های فراوانیکه کشور های سوریه ، سودان و لبنان تهییج گشت . نماینده کارگران ایران فعالیت فدراسیون را در مورد ابراز همبستگی مادی و معنوی با خلق ویتنام سود و لزوم بسط فعالیت را در این باره خاطر نشان ساخت . رفیق روستا ضمن تأیید گزارش رفیق تاسو از اینکه هر آن منطقهٔ انقلاب فرهنگی چین مطرح نشده است اظهار تأسف کرد . آنگاه پس از ابراز موافقت کامل با اقدامائی که از طرف فدراسیون به پشتیبانی از زحمتکشان عدن و عربستان جنوبی بعمل میآید اظهار داشت : امپریالیسم انگلستان باهمکاری امپریالیسم امریکا و مرتجعین محلی میکوشند جنبش استقلال طلبانه مردم عربستان جنوبی را سرکوب کنند . دولت ارتجاعی ایران بلرها از اینکه استعمارگران مجبور شدند این منطقه را ترک کنند ابراز نگرانی کرده است . بدین سیاست دولت ایران دست در دست مقامات دولتی اردن و عربستان سعودی بکمک اتحاد پیمان اسلامی افتاده . طراحان این پیمان بهمدستی دولت اسرائیل علیه سوریه انقلابی و سایر نیروهای متحرکی عناوین دوبیله و مبتذله و افترا اقدام میکنند . مردم ایران بهمراه خلقها و زحمتکشان عرب علیه توطئه‌های امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و متحدین آنها در این منطقه مبارزه میکنند . رفیق روستا سپس به تشریح وضع کشور پرداخت و از فعالیت مستقیم نفتی ایران بدست امپریالیستها ، از فقر توده های زحمتکش ، افزایش هزینه زندگی و بیکاری ، فقدان آزادیهای دموکراتیک و سندیکائی و از مبارزه توده های زحمتکش و همهٔ نیرو های مترقی ایران علیه رژیم خلد ملی و مند دموکراتیک کنونی برای بدست آوردن دموکراسی ، آزادیهای سندیکائی و برای نیل به زندگی بهتر سخن گفت .

وحدت سندیکائی جهانی

مسئله وحدت جنبش سندیکائی که همواره در مرکز توجه فدراسیون سندیکائی جهانی بوده است ، بار دیگر در شانزدهمین دوره اجلاسیه شورا مطرح گردید . پیشرفتهائی که در این زمینه حاصل شده است مورد بررسی قرار گرفت . در این باره ضمن قطعنامه عمومی مصوب شورا چنین قید شده است : «فعالیت سندیکائی اکنون در شرائطی انجام میگیرد که مبرم بودن مسئله وحدت با نیرو و روشنی بیشتری مطرح میشود . توافق بین انحصار های دولتی از سوئی و نفوذ روز افزون کشور های سوسیالیستی از سوی دیگر زحمتکشان و سندیکا ها را بیش از پیش بسوی مذاکره ، تبادل نظر و همکاری سوق میدهد . . . فدراسیون سندیکائی جهانی در کلیه مدارج سندیکائی با مذاکره و تبادل نظر موافقت دارد زیرا معتقدست که لزوم آنرا احساس کرده است . برای عمل باید نخست به بحث پرداخت . باید کوشید تا در مسائلی که میتواند مشترک باشد اقدام حاصل شود . زندگی تبادل نظر بین سندیکاها و وحدت عمل آنها را ایجاب میکند . فدراسیون سندیکائی جهانی طرفدار تشکیل یک مجمع بزرگ تبادل نظر بین المللی است که بدون قید و شرط و بدون استثناء همه در آن شرکت جویند . برای نیل باین هدف باید نخست در هر کشور وحدت عمل را گسترش داد . باید بلافاصله گوناگونی به مذاکرات و تبادل نظر های دوجانبه و چند جانبه پرداخت و بر اساس مسائل مورد توافق بعمل بین المللی مشترک و یا موازی اقدام کرد . در این زمینه اتحادیه های حرفه ای بین المللی برای نشان دادن شخصیت خود تشکلات وسیعی دارند . وظیفه مبرم این اتحادیه‌ها آنست که با مقدم داشتن مسائل سندیکائی دامنه فعالیت صنفی را بحد اکثر توسعه بخشند و بر این پایه در سراسر جهان وحدت عمل زحمتکشان و سندیکاهای رشته های مختلف را بسط دهند .»

در اینجهت است که فدراسیون سندیکائی جهانی فعالیت کرده و خواهد کرد و پیشتاز علیرغم توطئه های انحصار ها و کارشکنی های سران مرتجع مراکز سندیکائی ایالات متحدهٔ امریکا آنروز فراخواهد رسید که آرزوی دیرین طبقه کارگر تحقق یابد و سازمان بزرگ و واحد سندیکائی جهانی بوجود آید .

ح . فروردین

بقیه از صفحه ۵

یادی از جنبشهای اجتماعی و تاریخی کشورما

بدون تحلیل ذکر شد معلوم میشود که خلقهای ایران در طول تاریخ مبتد و پرحادثه خود آرام ننشسته و مردانه برای آزادی و استقلال میهن خویش و سرکوبی ستمگران داخلی کوشیده اند .

جنبش آزادی بی علی یکنوع قرن اخیر وارث واقعی این تاریخ طولانی و باعظمت گیلیها و مقاومتهای انقلابی است . و همان منطقی را روشن نگاهداشته است که تا امروز بلا بدست مانی‌ها و مزدکیها بوسیلهٔ ما و بابکها ، افروخته گردیده است .

تاریخ گذشته ما نشان میدهد که قیامهای انقلابی تأثیرات عمیق فرهنگی ای ای از جنگ غاصبین بیگانه و ستمگران داشته و تاخت و تاز های خونین جریان خواهد داشت ریشه آنها را عمیقا خشک کند وسلسلهٔ این جنبشها تاپیروزی اهالی دوسول به‌بهترین آرمانهای مترقی طبقاتی پابدار خواهد بود . ا . ک

نامه رفقای ویت نامی

بمناسبت سال نو میلادی (۱۹۶۷) دو سازمان زیرین ویت نام برای کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران شادباشهای صمیمانه ای ارسال داشته اند :

۱ ـ کمیتهٔ ویت نامی دفاع از صلح جهانی

۲ ـ فدراسیون ویت نامی سندیکا ها

ما بدینوسیله از این دو سازمان خلق برادر ویت نام صمیمانه تشکر میکنیم و موفقیت خلق دلاور و پرافتخار ویت نام را در نبرد علیه مهاجمان پلید امپریالیسم امریکا آرزومندیم .

شاهین و ابر

ابر چون رنگ آسمان بنهفت
جوجه شاهین بهادر خود گفت :
«ای فسوس آسمان چون شیمانب
وی دریغ آفتاب عالمتاب
که بیکباره نیست گردیدند
دامن از این جهان فرا چیدند ! »
گفت شاهین پیر : « کای فرزند
تهمت اینسان بآسمان مبسند
زچه نیرنگ ابر تیره ضمیر
ساخت سر خورده‌ات زشمس منیر ؟
خیز تا از نشیب این هامون
ساعتی بپریم برگردون
پرده از پیش دیده برچینیم
آنسوی ابر را عیان بینیم . »
کودک سر در گریم نامیده
رنگ تردید داشت در دیده
ابر اندر خیال آن نادان
نیروئی مینمود جاویدان
پس بهمراه مام خود ، شاهین
دلش از بیم و یاس سست و غمین ،
همچو کشتی که تن فکند بموج
رفت در آسمان تیره باوج
ابرها چیره بود و ناخوش بود
یاد هستی در آن فراموش بود
چون پریدند اندکی بفراز
اندران عرصهٔ تلاش و نیاز
پال شاهین و جوان فرسود
گشت توبید و لب بشکوه گشود
کانچه خواهی برون ز دسترس است
نیست جز این تلاش بی اساس
گفت مادر : « بوصل عالم نور
رسد آن سالکی که هست صبور
ما که در شوق نور می‌سوزیم
بالتلاش و شکیب پیروزیم . »
باز رفتند اندکی برتر
عرصهٔ ابرها رسید بسر
ناگهان دید چشم کودک خام
آسمانی فراخ و پای نام
وندران صفه بلند مقام
آفتاب فلک نشسته بکام
گفت : « فرزند ، اینك آن در گاه
که تو پنداشتی شده است تباه
من خود ایر خواره سرگردان
در پی این سرای جاویدان
دم دیگر که برگذاشت نفس
نیست جاجز کام آخرش
ای که بیمت چنگ یاس سپرد
آفتاب فلک نخواهد مرد . »

ا . س .

بقیه از صفحه ۳

سازمانهای موجود زنان

سازمان دهند . بدون هیچ تردید پیکار نشست و به امید صمغی که از تیب بیرون آید و کاری بکند ، نظر بطرف حوادث بودن نفرست و کار عناصر مبارز و انقلابی نیست . تجربهٔ این بر سازمانهای موجود زنان بدست وابستگی عایشان ، عدم قاطعیتشان در مبارزه ، کم کاری و خرده کاری شان در گذشته مهر بطلان زده و به امید آن نشست که روزی بر انجام شرایط مناسب برای فعالیت توده زنان در یك سازمان واقعی بوجود آید . باید راههای گوناگون مبارزه را در همین شرایط اختناق و در میان همین سازمانهای کم کار و خرده کار جستجو نمود . این راهها را باید یافت و با شجاعت در آن گام گذارد . عضویت در این سازمانها ، بمنظور مبارزه با جنبه های ارتجاعی آنها و به پیش بردن شعارهای رهبر و مترقی نقدنها لازم ، بلکه وظیفه مبرم هر زن آگاه انقلابی است . همهٔ این سازمانها را باید بدارزیون حق طلبی توده زنان تبدیل نمود و مرتفع از آنکه وابسته به دربار ، طبقات ممتاز و یا عناصر طب مانده و ارتجاعی باشند ، آنقدر که با دائرهٔ مبارزه برای تساوی حقوق زن ومرد بمیدان آمده‌اند کافی است که از آنان بعنوان سنگری برای مبارزه استفاده نمود . باید عاطفانه و عشیرانه از تمام این سازمانهای مختلف زنان از کمتاد بین اعضاء ساده و برخی رهبران مرتجع این سازمانها ، از تمام این جناح بهتر اسبی مترقی و جناح ارتجاعی تر این سازمانها برای پذیرفته شعار های زنانه استفاده کرد . باید شعارهائی را که در شرایط کنونی اهمیت درجه اول کسب کرده‌اند ، مثلا تغییر قانون مدنی ، در برابر این سازمانها گرارداد واز آنها خواست که با استفاده از تمام امکانات سازمانی و تبلیغی خویش بجدیه در راه تحقق این شعار بکوشند . باید همین شعار را عملا به رفراندمی تبدیل نمود . آنرا به میان زنان برد و از آنان خواست در این باره صریحاً اظهار نظر کنند و این اظهار نظر ها در روزنامه ها ومجلات در مصاحبه ها و سخنرانیها انعکاس یابد . وقتی شعاری بتوانند این از افکار عمومی بسا خود داشت کسی قادر به مقاومت در برابر آن نیست . شك نیست آن گروههائی از زنان که ساخته‌اند تر ، صمیمانه تر و پیگیرتر در راه مبارزه بخاطر تحقق شعار برابری حقوق زن و مرد گام بردارند . عملا موفق به جلب اعتماد تودهٔ زنان خواهند شد که خود پدانش بزرگی است میتو

سازمانهای موجود زنان و وظایف ما در قبال آنان

شهریور ماه سال جاری ، روزنامه های تهران خبر انحلال «شورایاملی زنان» و تشکیل سازمان جدیدی بنام «سازمان زنان ایران» را اعلام داشتند . بررسی مختصر این هر دو سازمان که اولی معرف فعالیت جمعیتهای زنان در چند سال اخیر و دومی مدعی رهبری جنبش زنان در حال و آینده است ، میتواند بر اهمیت وظایفی که در شرایط خاص کنونی در برابر نهضت زنان قرار دارد پرتو افکنی باشد .

شورایاملی زنان

چگونه بوجود آمد

حمله ارتجاع درموردان سال ۱۳۳۲ امکان مبارزه علنی را از سازمانهای میهن اصیل زنان سلب نمود .

تشکیلات دموکراتیک زنان که «نامگذاری خود» را سال ۱۳۲۱ آغاز کرده بود و پس از واقعه بهمن ۱۳۲۷ مجبور به فعالیت مخفی شد توانسته بود با استفاده از اوج نهضت در سال ۱۳۲۹ تبدیل به حزب توده ایران ، با حزب رشد مدعی نامزدی ولی در حقیقت وسیع تری با اعضای مختلف زنان در تهران و شهرستانها گسترش دهد .

سازمان زنان ایران که بزرگترین سازمان علنی زنان در دوران قبل از کودتا با بنام میرفت با اجازه پرداخته سازمانی و تبلیغاتی خویش بازهم فشر های تازه ترین از زنان را در صفوف خود متشکل نموده بود . این هر دو سازمان زیر رهبری حزب توده ایران ! یکی با فعالیت مخفی و دیگری با مبارزه علنی موفق شده بودند بزرگترین دو نیروی زنان را تجهیز و تشکل زنان ایجاد نمایند . گروههای دیگری از زنان وابسته به نیرو های مترقی هر چند با اغراض معدود و فعالیت کم دامنه ، ولی کم و بیش گمنامانی برای امتیازهای خلق زنان بوجود آمدند . کودتای ۲۸ مرداد امکانات گذشته مبارزه را از ایاب سازمانها سلب نمود و فقط گروههای کوچکی که با صرفاً فعالیت محدود فرهنگی داشتند مانند «کانون بانوان» و «انجمن فارغ التحصیلان مدرسه امریکائی» و یا بفرد دیرینه مبارزه مانند چون «انجمن معلومات زنان شهر تهران» و «جمعیت کارخیریه زنان ارامنه» توانستند بفعالیت علنی خود ادامه بدهند . برخی دیگر از گروههای نیز هرچند بر طبق مرداد ماه تنش برای مبارزه در راه احراز حقوق سیاسی و اجتماعی زن تشکیل شده بودند ولی حتی در دوران قبل از کودتا نیز فعالیتشان از چارچوب نشست و برخاست هفتگی و ماهانهٔ معدودی زنان روشنفکر تجاوز نمیکرد و بهمین جهت در دوران پس از کودتا نیز مزاحم تشخیص داده نشدند . منتهی بلندات هفتگی و ماهانه شان بیش از پیش از جهت حقوق سیاسی و اجتماعی زنان بافت . تا چند سال پس از کودتای ۲۸ مرداد فعالیت سازمانها و انجمنهای علنی زنان برخی فولوئیانه و بعضی «کاریز» از مبارزه علنی خبریه و فرهنگی میگردید و رژیم شاه هنوز امکان مبارزه علنی را از کلیه سازمانهای سیاسی ، جمعیتها و مطبوعات علنی سلب کرده بود به زنان نیز کمترین امکان برای تشکل و مبارزه نمیداد . ادامه این خفقان یکسال ، دو سال ، بتحمل امکان پذیر بود ولی برای همیشه امکان نداشت . مبارزه زنان در سایر کشور های جهان هر روز قوت تازه میگرفت و مبارزه و بر تعداد کشورهائیکه مجبور به شناختن حقوق دیرینه زنان میشدند افزوده میشد . دیگر شعاره کشور های که هنوز زنان آن حق رأی نداشتند اکنون نادر بود . این عامل خارجی همراه با عوامل داخلی مبارزه کننده از یکطرف و تجربه و اعتیاد کشورهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر مانع از آن بود که زنان به سکوت و تسلیم تن در دهند . بتدریج ، پنج پنج ها به نغمه های فراخوانی تبدیل میشد و گروههای تازه ای از زنان به دور هم گرد میآمدند . دیرو شد که سالوسانه دلیلهه تجدد عالیی داشت ، میخواستند در برابر این نغمه های عدم رضایت کاملا بی اعتنا بمانند و نه میدان دادن به این نارضایتی ها یا ماهیت استعدادی ملی جور در میآمد . از اینجهت سرانجام راه حل دلخواه خود را یافت . مطبوعات پاسخت

خبر تشکیل شورایاملی زنان با رهبریت اشرف پهلوی اعلام داشتند . شورایاملی زنان از کلیه گروهها ، انجمنها و سازمانهای «علق بزنان» که ظاهراً دارنشیلند اما فی الواقع پاسخ در شورایاملی زنان عضویت یافته بودند ، بزودی با تشکیل گروههای جدیدی از زنان ، تعداد سازمانهای عضو از ۳۰ بسیار شد . با تشکیل زنان ایران ، دربار با بیان چرند مثل میزد . هم برای نهضت زنان ، سرانجام قالب باصطلاح مناسب آنرا یافته بود . هم سر نخ نهضت تأمین حقوق زنان بود . زنان آنها . این سازمانها دولت میکوشند که عضویت در شورایاملی زنان تنها گرهی از نظر نگشوده باشد بر گره ها افزود . بتصویب شکایت و اعتراضات زنان از داخل سازمانها به صفحات روزنامه ها کشیده شد . اینبار خواهان اقدام جدی برای استیفای حقوق زنان بودند . این سر و صداهای عدم رضایت از تشکیل و وجود شورایاملی زنان ، در مجامع بین المللی گذشت بر آنکه بالاخره معلوم شود هدف از تشکیل شورایاملی زنان ، چگونه گام آن و تشکل سازمانها ، و تبلیغاتی آن برای تحقق برنامه اعتلائی به بوده است . در واقع شورایاملی زنان هدف و برنامه ای جز انحراف مبارزه زنان از مسیر مثلی آن نداشت اما خوشبختانه در این هدف موفقیت خویش هم توفیق نیافت .

بتدریج که شورایاملی زنان عدم قابلیت خویش را در تحقیقی حقوق زنان نشان میداد ، زمزمه های گله و شکایت در داخل سازمانهای عضو و نیز زنان مطرح شدیده میشد . اینش خواستار مبارزه برای تأمین حقوق زنان بودند . این عدم رضایت هرگاه در برابر وجود شرایط مناسب دیر تشکل اعتراض عمومی بوجود گرفت . مثلا هنگامیکه دولت علم در اواخر سال ۱۳۴۱ تصویبنامه مربوط بکرگت زنان را در انجمنهای ایالتی و ولایتی لغو نمود بدین وقفه که : «عدم منع زنان از شرکت در این انجمنها مورد اعتراض قرار گرفته است» ، اجتماع روز ۱۷ دی ۱۳۴۱ که از جمله اجتماع سیاسی زنان وابسته بدربار بود تبدیل بتظاهراتی از طرف گروه کثیری از زنان شد که اعلام نمودند نه تنها تصویبنامه مربوط به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی باید اجرا شود ، بلکه دولت موظف است حق زنان را در انتخابات مجلسین تأمین نماید . چند هفته بعد ، یعنی سوم بهمن ۱۳۴۱ زنان گارمنه درشهر تهران انعطاب بکروه کردند و بدنبوسیله اعتراض خود را نسبت به عدم توجه دولت به مطالبات زنان نشان دادند . توامل بسیار داخلی و خارجی ، چنانکه میدانیم رژیم شاه را در زمینه های و از جمله در مورد زنان وادار به عقب نشینی نمود . اما شورایاملی زنان که خود را مدعی رهبری نهضت زنان میدانست عملا قرمز نهضت و مانع از آن بود که نیروی زنان فعالانه وارد میدان شده و رژیم را بعقب نشینی بیشتر در باره مطالبات زنان وا دارد . تشکیل زنان با استفاده از عوامل خود در سازمان های مختلف زنان و در سایر تشکیلات مملکتی تنها این هدف را تعقیب مینمود که میبارزات سیاسی و اقتصادی چند ده ساله زنان را لوث نماید و شرکت زنان را در انقلاب مجزرة گذارند شاه و زنان را مسحور این گسرامات معرفی کند . در همان هنگام روزنامهٔ «مردم» ضمن تأکید این مسأله که شرکت زنان در انتخابات «مشروط» شده نیست ، بلکه محصول فرعی مبارزه خود زنان است : سازمانهای زنان را از اینکه تحت سلطه دولت قرار گیرند برحذر داشت و نوشت که خوشبختانه در داخل و خارج این سازمانها تعداد زنان واقع بینی که ازوضع کنونی زنان در ایران درک صحیح داشته باشند ، لزوم مبارزهٔ جدی و مشکل را حس کنند و بوقع کار آشنا باشند کم نیستند . در درجه اول وظیفهٔ این زنان است که با کار مداوم خویش ، سازمانهای زنان را از سطوح به بالا خارج نموده و در جهت صحیح مبارزه سوق دهند . روشنیده است که رهبری اشرف پهلوی و عوامل وی در داخل این سازمانها از یکطرف و وجود رژیم استبدادی از طرف دیگر کار مبارزه را حتی برای آن سازمانهائیکه میهنی روشن نیز داشتند مشکل میکرد . شرکت زنان در انتخابات و فرستادن چند وکیل و سناتور اکثراً وابسته بدربار ، بمجلس شورا و سنا برای پذیرفتن این سازمانهای زنان نقطه اعتماد مبارزه تلقی شد و این امر ، نارضایتی را در داخل سازمانها بوجود آورد . بنابراین دامن زد . پی بوده گذشته میشد که هدف ایجاد مبارزه زنان ، تنها فرستادن زنان بمجلس نبوده ، بلکه هدف لغو قوانین ارتجاعی و وضع قوانین مترقی بسطور

سازمان زنان ایران و انقلابات پنهان و آشکار

شهریور ۱۳۴۵ اشرف پهلوی مدعی یک مصاحبه مطبوعاتی موجودیت سازمان زنان ایران را به رهبری خود اعلام نمود و مدعی تأیید آنکه : شورایاملی زنان قادر نبود تعقلی مورد نظر را در پیشبرد نهضت زنان ایفا نماید ، این عدم قابلیت را به کرمش ، محدودیت هدفی هدف و تشکیلات و عضویت ، و ایز وجود توامل ضد نهضت زن ، آغاز و وی و عده داد که : سازمان زنان ایران اقدامات اساسی و بسیاقیه ای در راه وصول بالا بردن موقعیت و رفاه حال زنان کشور خواهد نمود ، با آنکه در ادامهٔ انحلال سازمانها و انقلاب آنها در سازمان جدید اعلام شده بود ولی چون ، با مخالفت برخی از رهبران این سازمانها مواجه شد و این مخالفت ها حتی بچاپ صفحه هائی مطبوعاتی هم کشیده شد ، سازمان لغو انحلال سازمانها ممکنست ماند از همینجا وجود پیوستن اختلافات بین سازمانهای قبلی و سازمان جدید نمایان گردید و شد تشنجهائی میگیرد از اختلافات دیو کم کم خود فرانشان دادند ازجمله هنگامیکه زنان حزب ایران نوین بسلط اختلافات فروانی متنعهای مختلف هیئت حاکمه» خود بعلت از سازمان زنان ، سیمائی بمنظور بررسی وضع حقوقی زنان مرتبط ۲۲ رابطهٔ مهر ۱۳۴۵ هرتهران اختلافات دیده ، سازمان زنان ایران که تشکیل این سیمنار خود پسادفی نمود ضمن یک آگهی کوتاه در روزنامه‌های عصر و با مسکوت گذاردن عمدی منشاء اختلافات این سیمینار ، اعلام نمود که : «سیمینار زنان در تهران تشکیل شده ارتباطی با سازمان زنان ایران ندارد» در حالیکه اکثر آنطور که از اساسنامه سازمان زنان برمیآید یکی از هدفهایش ، هم آهنگ نمودن فعالیت های جمعیتهای زنان است . لازم بود سیمینار مزبور که سرفرانش از هنگیره های سیاسی و اجتماعی قدمی فرداء مطالعه وبررسی خواستها ومطالبات زنان بود لااقل بابرازار هرسنمدی از طرف گردانندگان سازمان زنان تلقی شود . بلا هم نشانه دیگر اختلاف خبر منتشرح در مجله بفشاند بود که نوشت : «درانجمنها فکر ساز (منظور جلسه سازمان زنان باشرکت اشرف پهلوی است) قیافه خاص زنان شرکت کننده فرسیدنار حزب ایران نوین بچشم میخورد» و آنگاه اشاره حساب شدید عوامل فرسا ونجاس و ادوات بطرح فیلاکری

بقیه در صفحه ۶

عناصر دکتر منوچهریان در مورد حقوق خانواده بود که آشکارا نشان میداد : منمن آنکه افراد و گروههائی از زنان مایل بفعالیت مستقل درمورد حقوق زنان هستند ، چگونه دربار در برابر این تلاشها ، چاره جویی نشان میدهد .

سازمان زنان ایران

با کدام برنامه کار و عمل ؟

مجمع عمومی خود را در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۴۵ تشکیل داد و به انتخاب هیات مدیره و تصویب یک اساسنامه پرداخت . دراین مجمع به زنان قبل از روزنامه های پایتخت ۵۰۰۰ زن از تهران و شهرستانها شرکت نموده بودند . اما اساسنامه ای که بتصویب این ۵۰۰۰ زن رسانده شد نشان داد که عضو دربار سرکوم کردن زنان بطور فرعی و انحراف آنان از هدف منطقی مبارزه است . نخستین ماده اساسنامه این مجمع در پیلوه لزوم تشکیل کلاسهائی برای بانوان کم سواد و زنان و کودکان ایران است . همینکس مشکل لزوم بانوانی زنان نیست . ولی هرگز نباید مبارزه را بفراموش ارتجاعی و ظالمانه کنونی را تحت التمنع یا سوادی زنان قرار داد و این را بآن مرجع داشت . در دومین ماده اساسنامه توصیه میشود : « هر کتب فرسی مدارس مطالب لازمی دربارهٔ مقام زن گنجانده شود تا طرز فکر صحیح در نسل آینده نسبت به شخصیت زنان بوجود آید . اصحاب برایان اهمیت ؟ آیا زنان ضرایط مناسب برمنه شخصیت اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و هنری خویش بهتر میتوانند جای شایسته خود را در افعال و فکر تأمین کنند یا از طریق گنجاندن چند بند و تغییر در کتاب درسی ؟ ماده ۳ اساسنامه : تساوی حقوق مدنی زن و مرد را با تأکید کامل باید ، در چارچوب موازین شرعی و قانونی ، اساسنامات ظالمانه بسطح آید توصیه میکند وبلافاصله پیشنهادهائی میدهد که نباید ارتجالی باشد و اقدامات اساسی ، برای ، تساوی حقوق زن و مرد ، ندارد . از جمله : تشکیلات حقوقی سازمان دفاع از حقوق زن را درمحاکم دادگستری برعهده میگیرد . گوئی اگر تاکنون زن مظلوم و مقهور بوده نه بعلت وجود قوانین ظالمانه بلکه بعلتی سبب بوده که تشکیلات حقوقی سازمان زنان بدفاع از حقوق زن ایرانی بپردازند است ! همه کس میدانند تا زمانی که قانون ، مدنی بشکل کنونی وجود دارد هیچ سازمانی حتی پلرش حسن نیت کامل هم قادر به دفاع از حقوق واقعی زنان نیست . اساسنامه پیشنهاد میکند :

« مراکزی در میدانگاهها و جایگاههای اصلی و بر جمعیت شهر ها بسرای مشاوره و کمک حقوقی به زنان بوجود آید» نکته اینست که اگر تمام میادین و جایگاههای اصلی و فرعی و حتی کوچه پس کوچه های کشور از اینگونه مراکز پر شود تا زمانیکه قانون زنان را بی حق شناخته است هیچ مشاوره و کمکی نمیتواند در اصل محرومیت زنان تأثیری ایجاد کند . اساسنامه تشکیل « گروه مددکاران حقوقی » و نیز « پرورش گروه زنان حقوقدان » را وعده میدهد . لازم به تذکر است که همه این اقدامات فقط در شرایطی میتوانند واقعاً مفید باشد که نخست قوانین کنونی لغو و عدم تساوی حقوق زن و مرد مانع شود . « مددکاران حقوقی » و « زنان حقوقدان » نمیتوانند فقط در اجرای صحیح قوانین ارتجاعی زنان را یاری نمایند ولی تأثیر قوانین در ماهیت قوانین تغییری ایجاد کنند . مواد این اساسنامه که روشنی نشان میدهد که سازمان زنان ایران برنامه روشن و مشخصی برای تأمین حقوق بوطن ارز ندارد بلکه در حقیقت نوعی سازمان خبریه است که بقول خود میخواهد : «ملجأ و پناهگاه زنان مظلوم در برابر شوهرانی که به خانواده خود ظلم میکنند » باشد . بدین ترتیب دربار میخواهد سازمان دیگر نیز تأسیس نماید تا با تشکیل کلاسهای مبارزه با بیسوادی و ایجاد مراکز مشاوره و کمک حقوقی سر گرم کند و از تجهیز و متشکل کردن زنان در خواستهای صریح سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شان جلوگیری نماید .

در شرایط کنونی چه باید کرد ؟

طبیعت مسجد زنان امکان تجهیز و تشکل در صفوف یک سازمان ملی اصلا امکانپذیر ! در زنان سلب شده است . وظیفه زنان مترقی پیوست و فعالیت خود را باید چگونه

بقیه در صفحه ۶

جریان دوره اجلاسیه

دفاع از خلق دلاور ویتنام

شانزدهمین دوره اجلاسیه شورای عمومی سندیکائی جهانی از ۶ تا ۹ ممامبر ۱۹۶۶ (۱۵ تا ۱۸ آذر ۱۳۴۵) در صوفیه برگزار شد و جزان فعالیت فراسیون دموکراتیک پس از کنگره ششم مورد بررسی قرار گرفت . مسئله توسعه وحدت عمل و همبستگی بین‌المللی پرولتاریا و زحمتکشان و خلق ویتنام ، بسود زحمتکشان سراسر جهان که برای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی ، و بسود زحمتکشان و خلقهای که برای مبارزه علیه امپریالیسم ، استعمار و استعمار از مبارزه میکنند اساس مذاکرات و تصمیمات شورای عمومی را تشکیل میدهند.

طبق تصمیمات شورای عمومی ، تشکیل میدهند. از زیابی و رهنمود های کنگره ششم فدراسیون ، کاملا تایید میکند . ادامه و تشدید تجاوز امپریالیسم امریکا در ویتنام در تحول وضع بین‌المللی نقش مسلط دارد ، پیشنهاد های مطروحه از طرف دولت فاشیستی متحده امریکا در سازمان ملل متحد ، مسخره انتخابات سایگون و شورای جنگی مالیه که زیر پرده ، کمک اقتصادی ، برگذار شد مجموعا برای استقرار توسعه تجاوز ایالات متحده امریکا بود است ، اطراف دیگر چنین توده ای در سراسر جهان به پشتیبانی از پیکار قهرمانانه خلق ویتنام گسترش می‌یابد . شورای عمومی فدراسیون باتفاق توجه باین که مقاومت قهرمانانه خلق ویتنام ، کمک مادی همه کشورهای سوسیالیستی و همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر و خلقها عوامل اساسی پیروزی را تشکیل میدهند. از انحادیه ها و زحمتکشان همه کشورها میخواهد که از هر پشتیبانی از مردم ویتنام ادامه فعالیت خود را گسترش بدهند و برشدت مبارزه پیگیر و مؤثر خود بیافزایند . در پیامی که از طرف شورای عمومی خطاب به اتحادیه ها و زحمتکشان جهان صادر شده است ، این از تشریح جنایتها و عملیات بیشرمانه تجاوز کاران امریکائی چنین گفته میشود :

« مردان و زنان زحمتکش اتحادیه های جهان! عملیات اغتراضات و اقدامات مجدانه تمام ایمالات متحده امریکا باید تشدید و توسعه تجاوز خونین خود علیه خلق ویتنام ادامه میدهد و در زیر پرده استقرار « صلح مالیی دروغین » میکوشد جلگه تجاوز کارانه خویش جنبه بین‌المللی بدهد و بدینسان سلح را در هند و چین — آسیای جنوب شرقی و در سراسر جهان بشدت تهدید میکند . . . همواره درنظر داشته باشید که نبرد خلق ویتنام علیه تجاوز کاران امریکا تنها برای آزادی و استقلال میهن خود نبوده ، برای حفظ آزادی واستقلال همه خلقها ، بخاطر صلح دموکراسی و آزادی در سراسر جهان نیز میباشد .

بانگلاد کوتاکون « مبارزه علیه تجاوز امریکا را تشدید کنید ! » بهشتیبانی مادی ومعنوی خود از مبارزه زحمتکشان و خلق ویتنام بیفزایید ! » با نیروی باز هم بیشتر عملیات چنین امیز تشدید جنگ تجاوز کارانه علیه ویتنام و دیگرپایه‌های امپریالیستهای امریکا را افشا کنید ! (اعتصابهای دروغین ، صلح مالیی ، امپریالیست های امریکا و کوشش آنها برای مداخله دادن سازمان ملل متحد در مسئله ویتنام پرده پوشی مسئله مسئولانه مبارزه کنید تا از دولت امریکا خواسته شود که :

— بیدنگ تجاوز کارانه در ویتنام جنوبی خاتمه دهد.

— آماده مبارکها رهگزاره عملیات جنگی دیگر علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام فوراً و بلاقید وشرط پایان بخشد.

— ویتنام جنوبی را از کلیه قوای نظامی ، تسلیحات و وسائل جنگی ایالات متحده امریکا و اتحاد آن تخلیه نماید .

— حق خلق ویتنام را برای تعیین سرنوشت خویش برسمیت بشناسد .

— جبهه آزادیبخش ویتنام جنوبی را بعنوان یگانه نماینده واقعی خلق بشناسد و با آن مذاکره بدارد و بدینگونه مسئله را حل کند مخارج بدارد و بدینگونه بیکار بدهد .

— باتفاقات مؤثر و مجدانه دست زنید و با فرستادن دارو ، آذوقه ، خوراک ، پول و غیره بخلق میارز ویتنام کمک برسانید تا مردم دلیر ویتنام بتوانند قدرت پیکار خویش را افزون ساخته پیروزی نهائی را سریعتر بدست آورد .

— کلیه اشکال مناسب مبارزه را بکار ببرید تا از تولید و حمل و نقل موادی که میتوانند در جنگ امپریالیستهای امریکا علیه ویتنام مورد استفاده قرار گیرد جلوگیری بعمل آید . »

تحلیل وضع جهان مسائل حاد روز

در قطعنامه عمومی شورا گفته میشود که « اگر چه ویتنام کنون عمده و خدمت وضع بین‌المللی را تشکیل میدهد مقدمات امپریالیستها در کشور های دیگر آسیا نیز بعملیات تجاوز کارانه ضدت میزنند . کره که مانند ویتنام کشور تقسیم شده است بیک کره افریقایی این عملیات است . کره جنوبی بسیستم واقعی ایالات متحده امریکا مبدل گردیده است . دهها هزار سرباز امریکائی در این سرزمین فرو زده‌اند . حکومت پوشالی کره جنوبی از یک ارتش ۶۰۰ هزار نفری نگهداری میکند که ٤٥ هزار نفر آن به ویتنام فرستاده شده‌اند . در نتیجه پیمان متحده میان ژاپون و کره جنوبی تقوا نیز هوای نظامی ژاپون در کره جنوبی شدت یافته است . فدراسیون سندیکائی جهانی و همه خواهرانی جهان باید مواظب تحول این وضع و احیاء میلیتریسم ژاپون باشند و برای مبارزه ساختن زحمتکشان بعطری که از این جهت صلح جهانی را تهدید میکند اقدام نمایند .

در اندونزی محاکمه رهبران سابق جنبش مترقی ادامه دارد و هیرج و مرج اقتصادی موجب تعطیل کارگاهها و بیکاری عدهٔ کثیری از کارگران میگردد . حوادث بیکسال گذشته این نکته را محقق میسازد که پیکره ارتجاعیان و مردم مترقی از عقده های جنایتکارانه دولت ایالات متحدهٔ امریکا و سازمان جاسوسی آن ، سازمان اطلاعات مرکزی امریکا ، جدا نیست . امپریالیستهای امریکا بطرفداران اندونزی ایمپسترم و پایگاه جنگی خود مبدل سازند . ممالک با وجود تعهدیات امپریالیستها دولت کنونی جاکارتا اعلام داشت تا باید جنبش نیرو های ترقیخواه و میهن‌پرست اندونزی را متوقف سازد .

در اروپا بین کشور های سرمایه داری و سوسیالیستی خواه در زمینه دولتی و سیاسی خواه در زمینه سندیکائی ، اقتصادی و فرهنگی موجبات تفاهم بیشتری فراهم شده است . در بحث مربوط به امنیت اروپا و بویژه درسئله آلمان عناصر جدیدی پدید آمده است . مانع بعد تفاهم و بی رزای امنیت اروپا اتخاذ سیاست تلافی جویانه و تقویت نئوناتسیسم در جمهوری فدرال آلمان است . خطر عمده برای صلح و امنیت اروپا کماکان از امپریالیسم آلمان غربی ناشی میشود که با امپریالیسم امریکا ارتباط نزدیک دارد . بدین سبب در حال حاضر جاوگیری از دست یافتن جمهوری فدرال آلمان بسلاحهای اتمی و سیاست مرزهای کنونی کشورهای اروپا از جمله مرز های جمهوری دموکراتیک آلمان شرط متعادلی و اساسی امنیت اروپا است .

باید کلیه موجبات اصطکاک و برخورد را برداشت و در مقابل جنگ سرد سیاسی فرارداد که میانی برتفاهم تفاهم و همکاری همه کشور های این قاره باشد . سندیکا ها در این امر مسئولیت بزرگی برعهده دارند . گسترش نفشیات سندیکائی بین سازمانهای سندیکائی کشور های سوسیالیستی از طرفی و سازمانهای سندیکائی کشور های سرمایه داری از طرف دیگر رابطهٔ صلح وتعطیف وحدت موجب بین‌المللی کمک فراوانی خواهد کرد و برای بهبود شرایط کار و زندگی همه زحمتکشان اروپا زمینه مساعدی فراهم خواهد ساخت .

در سالی که گذشت طبقه کارگر در مقابل حملات انحصارها مرتکبانه ایستادگی کرد . مبارزات کارگری دامنه وسیعتری گسب نمود ، موج مبارزه مطالبات تقریباً همه کشور های جهان را در گرفت ، قشرهای وسیع زنان ، جوانان ، تکنیسین‌ها ، مهندسین و کارمندان در این مبارزات شرکت جستند و بافعال خود ادعا های فرونیش طراحان ، جامعه بزرگ ، جامعه شکل یافته ، جامعه رفاه ، جامعه همکاری کار و سرمایه ، و ازبیخ دیگری را که متناوبا در کشورهای سرمایه‌داری گاه میکاند نقش برآب کردند. چهره عنین واقعیت نشان میدهد که تضاد بین کار و سرمایه تداوم کمونیکوترین تخفیف‌یافته بلکه درنتیجه قدرتهای سرمایه داری در مناسبات کارگر و کار فرما شدت یافته است .

مبارزه کار گران درراه حقوق خود

در گزارش رفیق ژنو مدیر کل جلسهٔ فدراسیون سندیکائی جهانی گفته شده است که ومنطقهای اساسی مبارزه برای افزایش دستمزد ، تقلیل ساعات کار بدون کاهش دستمزد ، مبارزه برای اتحاد آزادانه قرارداد های جمعی که متضمن کلیه شرایط کار و دستمزد باشد ، مبارزه برای پرداختن هر گونه تبعیض سنی ، نژادی و جنسی ، مبارزه برای تضمین توسعه آزادیها وحقوق سندیکائی در مرکز توجه طبقه کارگر بوده است .

مطالبات توده‌های زحمتکش بمقدورت روزافزون کارفرمایان و دولتهای سرمایه داری برمیخورد . تمرکز سرمایه انحصاری ، ادغام‌ها و توسعه طلبی بر اساسی دشوار های تمرکز آمیز رهبری اقتصادی را بمیانی بین‌المللی تأمین داده است . قوانین موجود مزاحم انحصار ها است و از آنها که انحصارها حقوقی را که کارگران یا مبارزه بدست آورده اند مورد حمله قرار میدهند قوانین جدیدی میخواهند که با مقاصد آنها و با تجدید سازمان مقتدرو کراتیک اقتصاد وزندگی اجتماعی تطبیق کند .

نقش حقوق سندیکائی در محل کار بمنظور جلوگیری از وحدت سندیکائی ، اعمال فشار علیه فعالین و رهبران انحادیه ها بمنظور تهدید کارگران وتضعیف سندیکاها از جمله شیوه هائی است که انحصار ها بکار میبرند . قوانین جدیدی میخواهند که با مقاصد آنها و با تجدید سازمان مقتدرو کراتیک اقتصاد وزندگی اجتماعی تطبیق کند .

نقش حقوق سندیکائی در محل کار بمنظور جلوگیری از وحدت سندیکائی ، اعمال فشار علیه فعالین و رهبران انحادیه ها بمنظور تهدید کارگران وتضعیف سندیکاها از جمله شیوه هائی است که انحصار ها بکار میبرند . قوانین موجود مزاحم انحصار ها است و از آنها که انحصارها حقوقی را که کارگران یا مبارزه بدست آورده اند مورد حمله قرار میدهند قوانین جدیدی میخواهند که با مقاصد آنها و با تجدید سازمان مقتدرو کراتیک اقتصاد وزندگی اجتماعی تطبیق کند .

برای اقدام متشعر بوجود میآیند و پس از انجام ماموریت منحل میشدند ولی بتدریج جنبه دائمی کسب کردند . اعضاء کمیسیونها علی اجتماعات دموکراتیک و وسیعی که در آنها کلهی هزاران کارگر شرکت داشتند سنتیما از طرف کارگران کارخانه انتخاب میشدند . کمیسیونهای کارگاهی ارگانهای بالاتری بنام کمیسیونهای ایالتی و حرفه ای بوجود آوردند و بدینسب ترکیب رهبری تمام سطح سندیکائی واحد کشوری مقدمات مساعدی فراهم شد . کمیسیونهای کارگری برنامه های مطالباتی را طرح و تنظیم میکنند؛ همه اقدامات آنها علنی است و با کارفرمایان ومقامات قانونی راجع به قرارداد های جمعی بمذاکره میپردازند ؛ مبارزات صنفی کارگران را در محل کار رهبری میکنند. مسلم است که فعالیت کمیسیونها با حقوق‌اش مواجهه است چه بسا اعضاء کمیسیونها را اذکار اخراج میکنند یا بزندان میکشند و توده های جوانب این سازمانها نمایندهٔ نیروی واقعی کارگران هستند بدون آنکه از طرف مقامات دولتی رسمیت آنها تأیید شود موجودیت خود را بکارفرمایان و دولت تحمیل میکنند . کمیسیونهای کارگری از بدو پیدایش خود بمثابه مظهر وحدت مطالبه همه کارگران ، بمثابه نیروئی دموکراتیک و مستقل از احزاب سیاسی، دولت و کارفرمایان،پدیدان نمانده .

در آنها کارگران که عقاید سیاسی گوناگون دارند نیز از کمونیست ، سوسیالیست ، نئوسوسیالیست و حتی فالانژیستهائی که با رژیم فرانکو و اتحادیه‌های فاشیستی اختلافاتی دارند بویژه نیروهای جوان و کادرهای جدیدی که در مبارزه علیه رژیم فرانکو آبدیده شده اند شرکت دارند . همهٔ اعضاء کمیسیون های کارگری بطور دموکراتیک از طرف کارگران صرفاً بر اساس موضعی که در قبال مسائل مربوط بمبارزات مطالباتی اتخاذ میکنند انتخاب میشوند . اخیراً کمیسیونهای کارگری اسپانیا موفق شدند نقش شرکت وسیع کارگران را در انتخابات سندیکائی سازمان داده وسائل انتخاب افراد مورد اعتماد کارگران را برای اشغال مقامات رهبری سندیکاها فراهم سازند . درجریان مبارزات انتخاباتی کمیسیونهای کارگری بتوده‌های کارگر توضیح میدادند که سخن برسر انتخاب چند تن نمایندهٔ سندیکائی نیست ، بلکه بر سر وضعیت دوران مواضع جدیدی است تا بتوان برای تشکیل انحادیه های طبقاتی مستقل و دموکراتیک برای حق‌اعتصاب، افزایش حد اقل دستمزد ، علیه اخراج کارگران و برای وسیعیت قانون دفاع به کمیسیونهای کارگری در سطح‌ملی‌ری مبارزه کرد .

تجربه طبقه کارگر اسپانیا نشان میدهد

که با کار صبورانه توده ای و با تلفیق دقیق کار مخفی و علنی و با استفاده از تضاد های موجود در دستگاه ها که میتوان با مبارزات سندیکائی دست زد و در تشکیل سازمانهای صنفی واقعی کار گران توفیق حاصل نمود .

وضع کنونی جنبش کارگری در نقاط دیگر

رفیق ژنو ضمن تشریح فعالیت سندیکائی در کشور های سوسیالیستی توضیح داد که طی سال گذشته کشور های سوسیالیستی در زمینهٔ اقتصادی بموفقیتهای جدیدی نائل شده ، همکاری بین آنها افزون گشت ، سطح زندگی مردم در این کشور ها اعلا پذیرفت و منافع مشترک آنها برای پیروزی امر صلح اعلاء یافت .

در کشور های سوسیالیستی مبلغهائی ساختن منافع کارگران را منافع تمام خلق وظیفه سندیکا ها است . اتحادیه ها در حل کلیه مسائل مورد علاقه زحمتکشان شرکت میکنند . در رفرمهای اقتصادی که برخی از کشورهای سوسیالیستی کار پسته‌اند نقش سندیکاها بثمر هم بارز تر شده است . سندیکا های کشور های سوسیالیستی علاقه در تنظیم رفرمها و کنترل اجرای جدیدی کار شرکت میکنند ، اثیرهائی که در نتیجه رفرمها در زندگی سندیکائی پدید آمده است ثابت میکند که بسط و گسترش پروسه دموکراتیک امروز بیش از همیشه ضروری و مؤثر است .

در افریقا و در کشور های خاور میانه ونزدیک جنبش سندیکائی با مسائل غرنیمی مواجه است . در کشور هائی که رژیم جنبش آزادی در آنجا حکمروا است ، توده های مردم برای آزادیها و حقوق بنیادی

بقیه در صفحه ٦

بقیه از صفحه ۱

پیام حزب کمونیست سوریه باحزاب کمونیست برادر و به نیروهای ترقی و صلح در تمام کشورها

تعقیب کنند و بهر وسیله که میتوانند توطئه علیه جمهوری سوریه را افشاء نمایند وهمبستگی خود را بدین جمهوری و مبارزه عادلانه اش ابراز دارند.

«مردم»

* * *

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه توجه شما را بوضع خطرناکی که امپریالیستها در کشور ما بوجود آورده اند و هدف آن از میان بردن مشی مترقی سوریه و دستاوردهای مردم است، جلب مینماید. همه چیز حاکی از آنست که امپریالیستهای امریکائی در تدارک تهاجم نظامی بدست رهبران اسرائیل علیه سوریه اند، یعنی میخواهند اسرائیل نقشی را که در حمله علیه مصر در سال ۱۹۵۶ بعهده گرفته بود بار دیگر تکرار نماید.

پس از سقوط دولت بعثی دست راست صالح بیطار در فوریه گذشته در سوریه دولتی دارای خصلت مترقی و ملی بر سرکار آمده که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکند. روابط دوستی سوریه با اتحاد شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی بشکلی بیسابقه ومداوم آغاز بهبود گذاشت. مظهر این مناسبات قرار دادهائی است که برای صنعتی کردن سریع سوریه بسته شده است. در عین حال صدای سوریه با قدرت و روشنی در عرصهٔ بین المللی در کنار آوای تمام مبارزین راه آزادی، سوسیالیسم و صلح در تمام جهان طنین افکن شد.

در درجهٔ تحکیم روابط همبستگی و برادری خود با تمام کشورهای مترقی عرب و با تمام نیروهای مترقی ملی جهان عرب و همچنین با تمام نیروهای مترقی و سوسیالیسم در مقیاس بین المللی عمل میکند.

شایان تصریح است که یکی از اقدامات دولت سوریه آنست که در مسئله نفت موضع گیری استواری کرده است و خواسته است که شرکت نفت عراق بر اساس احتیاجات واقعی و صحیح موافقتنامه سال ۱۹۵۶ را درباره درآمد سوریه از محل عبور لوله نفت از اراضی وی با دقت کامل اجرا نماید و این امر خشم وغضب شدید محافل امپریالیستی امریکا و انگلیس را برانگیخته است.

از ۲۳ فوریه ببعد اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مترقی خصلت عملی بیشتر تری به خود گرفته و عمل در جهت استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی کشور شدت و قوت بیشتری یافته است. در نتیجه اصلاحات ارضی و بسط بخش دولتی درصنعت وتجارت، بنیاد اقتصادی و اجتماعی در سوریه در جهت مترقی تحول مییابد.

رفقا! شما میدانید که همکاری وتعاونی که بشکلهای مختلف بین بعثی های چپ و حزب کمونیست سوریه شروع شده است، تا حدی در ترکیب دولتی که بعد از ۲۳ فوریه سرکار آمد منعکس شده است و درین اعضاء دولت یك وزیر کمونیست وجود دارد. اما تحولی که اخیراً (اوائل اکتبر) در دولت روی داد، هیچ تغیری در اساس این مسئله بوجود نیاورد، ولی به بسط پایگاه حکومت منجر شده است. بدین معنی که عناصر دیگر چپ باین جریان پیوسته اند و این آن چیزی است که حزب ما دائماً طلبیده است. در دولت جدید هم فقط یك وزیر کمونیست شرکت دارد. این مسئله بکلی کذب تبلیغات محافل امپریالیستی و ارتجاعی را نشان میدهد که مدعی اند تعداد وزرای کمونیست دردولت جدید سوریه چهار و حتی شش وزیر است. با این عمل آنها یك موج جنجال ضد کمونیستی علیه سوریه براه انداخته اند. هرگاه امپریالیستهای امریکائی علیه کشوری تهاجمی را طرح ریزی میکنند بهمین اسلوب عمل مینمایند.

واقعیت اینست که حزب کمونیست سوریه با تمام قوا مشی مترقی ملی را درسوریه تقویت میکند. با ایتحال حزب کمونیست از نقائص و نارسائیهائی که در وضع عمومی می بیند، انتقاد میکند و برای بسط آزادی های دموکراتیك برای توده های کارگر و دهقان، برای تمام نیروهای مترقی و از آنجمله حزب کمونیست سوریه مبارزه مینماید.

علت آن کینه عینی که امپریالیستها در کشور ما دارند مشی ملی مترقی سوریه است. امپریالیستها وحشت دارند که این مشی مترقی بکشور های مجاور که رهبران آنها دنباله رو امپریالیستها هستند سرایت کند، باینجهت است که آنها اعمال فشار و توطئه علیه کشور ما را تشدید میکنند.

روشن شده است که توطئه نافرجام اوائل سپتامبر گذشته توسط مرتجعین سنتی در همکاری با عناصر اخراج شده راست بعثی و شرکت دربار سلطنتی اردن و عربستان سعودی علنی گردید و نیز روشن شده است که سروس جاسوسی امریکا که میتکر توطئه بوده و مخارج آنرا پرداخته است این توطئه را رهبری میکرده است.

کوشش برای براه انداختن توطئه ای در داخل کشور شکست خورد، لذا امپریالیستها در تدارك تهاجم نظامی خارجی هستند که باید در درجه اول دست نشانده آنها، اسرائیل و حکومتش که در ربقهٔ اطاعت امپریالیسم است بر رأس آن قرار گیرد. رهبران اسرائیل از عمل تهاجمی خویش در ناحیه طبریه و همچنین از پرواز هواپیماهایشان برفراز مؤسسات آبیاری ناحیه یرموك در سوریه بخود میالند و در عین حال تبلیغات تهدید آمیز خودرا دائر بر اینکه با یك تهاجم نظامی رژیم موجود سوریه را سرنگون خواهند کرد، وسیعتر میکنند. اسحق رابین رئیس ستاد ارتش اسرائیل اعلام کرده است: «هدف ما تغییر رژیم سیاسی درسوریه است». نخست وزیر اسرائیل لوی اشکول گفته است: «اسرائیل بسوریه حمله خواهد کرد... و این ما هستیم که لحظه مناسب و شکل درخور آنرا معین میکنیم». این تهدیدات با تدارکات نظامی و تمرکز وسیع نیرو در مرزهای سوریه توأم است.

همچنین، رهبران اسرائیل بطرز وسیع و آزاد و اذیت اقلیت عرب در اسرائیل اقدام کرده اند. رهبران اسرائیل کوشش میکنند سوریه را یك کشور محرك واکنش این اقلیت عرب درقبال زجر و آزاری که میکنند قلمداد کنند، تا بدینوسیله تهاجمی را که به دستور امپریالیسم، تدارك میبینند موجه سازند.

رهبران اردن هم نقش خود را در این امر بازی میکنند. نخست وزیر اردن وصفی التل اعلام کرده است: «تانکهای اردن در مرز های سوریه رخنه خواهند کرد».

این جریان نشان میدهد که اولا وضعی که اخیراً در اطراف سوریه ایجاد شده است، شبیه وضعی است که تهاجم اسرائیل در سال ۱۹۵۶ بر ترعه سوئز بوجود آورد و ثانیاً امپریالیستهای امریکائی، انگلیسی و آلمان غربی توسط جاسوسان خود در اسرائیل و اردن و نیز باتفاق ارتجاع عرب میخواهند ماجرائی علیه سوریه و علیه صلح در منطقه خاور میانه تدارك به بینند و مخفی نمیدارند که میخواهند یك رژیم ارتجاعی تروریستی در کشور، تحت نظارت آنها برقرار شود و وظیفه این رژیم از بین بردن نیروهای مترقی، لطمه زدن به دستاورد های ملت سوریه، برقراری نفوذ امپریالیستها در سوریه و دفاع از وضع امپریالیسم در این ناحیه میباشد.

وضع عمومی کشور ما برای ترقی مساعد است. ملت ما دارای تاریخ دیرین مبارزه علیه توطئه های امپریالیستی است. اردوگاه سوسیالیسم دست همکاری و دوستی خود را بطرف ما دراز کرده است. اخیراً کشور اتحاد شوروی یادداشتی بدولت اسرائیل فرستاد و کودتاگران عواقب تهاجمی که در تدارك آنست بر حذر داشته است. اگر در گذشته ملت ما در مبارزات متعدد علیه امپریالیسم موفقیتهائی بدست آورد آن نیز باینجهت بود که همکاری بین المللی کمونیستها وترقیخواهان در تمام کشورهای جهان یارش شتافت.

رفقا!

امپریالیستها در صدد تدارك یك سوئز جدید علیه سوریه هستند، خطری که استقلال و حاکمیت سوریه و همچنین امنیت و صلح را در این ناحیه تهدید میکند، خطری جدی است. بنابراین ما مصمم است از استقلال حاکمیت و از دستاوردهای مترقی خود دفاع کند.

باینجهت است که ما وظیفه خود دانستیم وضع واقعی را برای شما تشریح کنیم و از شما تقاضا کنیم امکاناتی را که حزب و مطبوعات شما و سازمانهای توده ای مترقی که با شما دارای رابطه هستند برای کمك بما دارند، بررسی نمائید و واقعیت مبارزه ای را که در سوریه جریان دارد برای توده های کارگر و زحمتکش و افکار عمومی کشور خودتان توضیح دهید و مسئله همبستگی با خلق ما را بهر شکلی که آن را مصلحت میشمرید مورد مطالعه قرار دهید.

اکتبر ۱۹۶۶

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

بقیه از صفحه ۸

درود بخلق قهرمان ویتنام!

متحده امریکاست. سیاست جنگ و مانور صلح امریکا در ویتنام از هر طرف مواجه باشکست شده و منفرد گردیده و از لحاظ نظامی علیرغم اعزام مداوم نیروهای مسلح بجدیدترین سلاحها نتوانسته است بهیچیك از هدفهای نظامی خود برسد در عوض جبهه ملی آزادیبخش ویتنام هم از لحاظ روحیه و هم از لحاظ قدرت جنگی از هر وقت دیگر نیرومندتر شده و باعزم راسخ مبارزه خود را برای دفاع از آزادی و استقلال وقطع تجاوز امپریالیسم امریکا ادامه میدهد. مردم ایران که خود از نفوذ سیاستهای استعماری و در درجه اول استعمار هار وعنان گسیخته امریکا رنج میبرند همواره پشتیبان خلق دلاور ویتنام بوده اند. حزب توده ایران بنوبه خود از هر نوع پشتیبانی که در امکانش باشد دریغ نخواهد ورزید. ما از اعضاء حزب، سازمان های اجتماعی و کلیه مردم خواستاریم که با اهداء خون و کمك مالی بخلق دلیر ویتنام کمك نمایند و ندای اعتراض خود را علیه جنایات امریکا در ویتنام بهر نحو که باشد بلند کنند.

پیروزی مردم ویتنام برامپریالیسم امریکا تأثیر مستقیم در مبارزه سایر خلقها و از جمله خلقهای ایران برای آزادی و استقلال ملی آنها دارد. آرزوی ما در سال نوامبر آنست که با کمکهای پیدریغ وبرادرانه اتحادجماهیر شوروی وسایر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی کمك بویتنام وهمچنین پشتیبانی مادی ومعنوی تمام مردم شرافتمند و صلحدوست جهان از مبارزه حق طلبانه خلق ویتنام، جنگ مهیب و ویران کننده ویتنام بسود مردم ویتنام پایان یابد و صلح شرافتمندانه ای در این کشور که سی سال است دستخوش تجاوزات امپریالیستی است برقرار گردد.

زنده باد خلق قهرمان ویتنام

ا. کوبا

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران، «مفتاح مردم» مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای پخش رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

بقیه از صفحه ۱

درود به خلق قهرمان ویت نام!

هم اکنون ۸۰ در صد از خاك ویتنام جنوبی در دست حکومت آزاد ویتنام جنوبی است که در آنجا سه چهارم مردم جنوب یعنی بیش از ده میلیون نفر زندگی میکنند.

بدینسان تکنیك و وسایل مدرن امریکا نتوانسته است بر روحیه و فداکاری بی نظیر مردم ویت نام پیروز گردد. جبهه ملی آزادی بخش ویتنام بمناسبت ششمین سال مبارزه خود چنین میگوید: «هر چه بیشتر مبارزه میکنیم بیشتر نیرومند میشویم. نیرو های ما در سال ۱۹۶۶ بمیزان عظیمی رشد و تکامل یافته است. اینك مردم امریکا بدرك عمیق این مسئله میرسند که بیش از پیش در غرقاب شکست فرو میروند».

رفیق هوشی مین روز ۲۳ دسامبر ۱۹۶۶ ضمن پیامی خطاب به مردم امریکا چنین اظهار داشت: «دولت ایالات متحده بخطا فکر میکند که با نیروی سبعیت وخشونت میتواند خلق ویتنام را وادار به تسلیم کند. ملت ویتنام هیچگاه زیر بار تسلیم نخواهد رفت.» سپس افزود که: «ما صلح میخواهیم اما صلحی شرافتمند. تأمین استقلال و آزادی مردم ویتنام بقیمت هر تعداد قربانی و هر محرومیتی که باشد بسه سر کوبی مهاجمان امریکائی تا پیروزی نهائی است.».

جنایاتی که امریکائیان در ویتنام مرتکب شده اند از لحاظ شدت کمتر از جنایات فاشیستهای هیتلری نیست. طبق گزارش پروفسور امریکائی ویلیام ریر مدیر مؤسسهٔ تحقیقات در باره کودکان بنام «مری کالم» که روز ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶ در نیویورك منتشر گردید: از سال ۱۹۶۱ تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار کودك کشته، بیش از ۷۵۰ هزار زخمی و یا بوسیلهٔ بیماری ناقاهم سوخته شده اند. ده ها هزار کودك در یتیم خانه ها در اردو گاهها، در کوچه ها و خیابانها بدون سرپرست مانده اند. سیل وبا و طاعون آنها را می بلعد و هزاران نفر از آنها که در شهر ها ولانند هیچگونه مأوا و سرپرست ندارند و از سن ده به بالا بفحشاء کشانده میشوند. سند آقای ویلیام ریر در ماهنامه «رامپارت» امریکائی همراه با تصاویر وحشت آوری از کودکان ویتنام درج گردیده است. این پروفسور که چندین هفته در ویتنام جنوبی مشغول تحقیق بوده تأیید میکند که صدها کودك را در جال مرگ و نیمه جان در دهکده هائی که امریکائیان ویران کرده اند بچشم خود دیده است. [illegible] نشان میدهد که ۷۰ درصد از کودکان سلاح هوائی امریکائیان در دهکده ها کودکان کمتر از ۱۶ سال هستند.

مردم جهان و از جمله مردم امریکا که ناظر چنین جنایات وحشتناکی هستند نمیتوانند از ابراز نفرت نسبت بتجاوز کاران امریکائی و از ابراز همدردی و پشتیبانی اخلاقی از خلق مظلوم و مبارز ویتنام خود داری کنند. بهمان نسبت که امریکائیان تجاوز خود را با توسعه جنگ دامنه دار تر کردند کمك اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی هم بخلق ویتنام توسعه یافت و به نیروی مقاومت آن افزود. «این کمك بمراتب مؤثر تر و تعریض تر میشد اگر جمعی از رهبران چین با اتخاذ سیاست تفرقه در اردو گاه سوسیالیستی و سیاست سراپا مضر و غیر اصولی زد وحدت عمل این کشور ها درمسئله کمك بخلق دلاور ویتنام، عملا در کار مبارزه خلق ویتنام اخلال و به امپریالیسم متجاوز بطور عینی کمك نمیکردند».

ویرانی ویتنام و کشتار میهن پرستان و مردان و زنان و کودکان غیر نظامی برای امریکائیان مهاجم و حکومتهای دست نشانده آنها تاکنون طبق آمار «جبهه آزادی ملی» به بهای بیش از یکمیلیون کشته و زخمی و اسیر از جمله یکصد و سی هزار امریکائی، بیش از هزار و ششصد هواپیما، هزاران هلیکوپتر ومقدار زیادی آلات و ابزار جنگی و میلیاردها دلار تمام شده است. این مصائب انسانی و مالی که نتیجه مستقیم سیاست ضد انسانی و سود پرستانه انحصارات بزرگ امریکائی وپنتاگون است بمردم امریکا تحمیل میگردد و هر چه جنگ ادامه مییابد سنگینی آن بیشتر احساس میشود و معنی «دفاع از آزادی» که بنام آن دولت امریکا جوانان را بمیدان جنگ میفرستد، مفهوم تر و باین ترتیب دامنه تظاهرات و اعتراضات مردم امریکا وسیعتر میشود. در نتیجه فشار افکار عمومی جهان و مردم امریکاست که هر چند یکبار جانسون دست بجمله دروغین صلح میزند و برای انحراف افکار عمومی مردم امریکا و جهان مزورانه میکوشد حتی وانمود کند که گویا دولت امریکا حاضر بمذاکرات صلح برای پایان دادن بجنگ در ویتنام است اما این دعاوی پوچ نمیتواند کسی را بفریبد.

در آستانه سال نو وعید نوئل جانسون دریکی ازمصاحبه های خود با روزنامه نگاران چنین گفت: «ما نیرومندیم ولی نیك نفس و دست ودل بازیم. ما صلحرا هدیه میکنیم». اما درست در همان وقت که او از نیك نفسی وهدیه صلح دهمیزد هواپیماهای امریکا بر کز شهر هانوی بمب های آتشزا هدیه میکردند. جانسون در مصاحبه دیگری در باره بمباران مراکز غیر نظامی و کشتار مردم غیر نظامی گفت ما با دقت تمام، فقط هدفهای نظامی را بمباران میکنیم ولی وقتی مدارك غیر قابل انکار ازویرانیهای مدارس، بیمارستانها و خانه های مردم عادی از طرف مخبرین و خبر گزاریهای مختلف جهان ازجمله یو پی، آی منتشر گردید در آخرین مصاحبه خود ناچار شول آنها گردید و به «ابراز تأسف» اکتفا کرد.

بمناسبت عید نوئل، پاپ از تمام شرکت کنندگان درجنگ تقاضا کرد که آتش بس دو روزه را ادامه دهند تا راه حلی برای خاتمه جنگ پیدا شود. در همین موقع اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد در پیام خود بدولت امریکا سه نکته را بسیار روشن ودقیق تصریح کرد وخواستار موافقت امریکا با آنها گردید از ابتکار، حملات هوائی به ویتنام شمالی بدون قید و شرط قطع شود، عملیات خصمانه تدریجاً ازدوطرف پایان یابد. جبهه آزادیبخش ملی ویتنام بعنوان طرف مذاکره برای پایان جنگ و حل مسئله ویتنام شناخته شود.

در مقابل این دو پیام دولت امریکا نیرو های تازه ای وارد ویتنام کرد. و بلافاصله پس از پایان آتش بس دو روزه شدت ویتنام شمالی را بباران در تمام جبهه ها بعملیات خصمانه شود ادامه داد. بطوریکه سخنگوی واتیکان نتوانست از ابراز عدم رضایت پاپ ازاوا کنش دولت امریکا خودداری کند. در مورد پیام اوتانت واکنش امریکا این بود که روز ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶ توسط نماینده نفود گلدبرگ در سازمان ملل متحد نامه ای رسمی به اوتانت تسلیم داشت. دراین نامه گلدبرگ از اوتانت تقاضا میکند که «تمام اقدامات لازم را برای مذاکرات بمنظور آتش بس میان دروتنام بفصل آوردن در این نامه گلدبرگ تصریح میکند که دولت متبوعش با اوتانت «کاملا همکاری خواهد کرد» تا مذاکرات به نتیجه مطلوب برسد. گلدبرگ بهیچوجه در باره نکات مشخص نامه اوتانت در نامه خود مطلبی ذکر نمیکند بلکه بذکر یك عبارت کلی که «دوست مخالف نظر اوتانت است قانعت مینماید و بدنبال آن عبارت میان تهی «کاملا همکاری خواهد کرد» را میافزاید.

اما هنگام تسلیم نامه «صلح آمیز» او نیروهای تازه امریکائی واردویتنام میشوند و بباران ویتنام شمالی که اوتانت قطع آنها را خواستار شده بشدت ادامه مییابد. فیلیپین خبر گزار روزنامه فرانسوی «لوموند» در سازمان ملل متحد در باره این نامه که آنرا حمله جدید صلح امریکا خوانده است چنین اظهار نظر میکند که این حملهٔ بدون نتیجه‌ای است زیرا در سازمان ملل متحد تأثیر مثبتی نکرده و هیچاك از نکات سه گانه اوتانت در نظر گرفته نشده است.

ژنرال دوگل در دو نطق متوالی خود که پس از اظهارات جانسون و نامه گلدبرگ در آغاز سال نو ایراد کرد بشدت سیاست امریکا را مورد انتقاد قرار داد و دخالت امریکا را در ویتنام نفرت آور خواند. او جنگ ویتنام را نتیجه مستقیم اقدامات امریکا دانست که طالبانه ادامه دارد و برای پایان جنگ خروج نیرو های امریکا را از ویتنام لازم شمرد. این موضع گیری افرادی مانند پاپ، دوگل و یا دبیر کل سازمان ملل متحد خود نوداری از انفراد کامل ایالات

بقیه در صفحه ۷

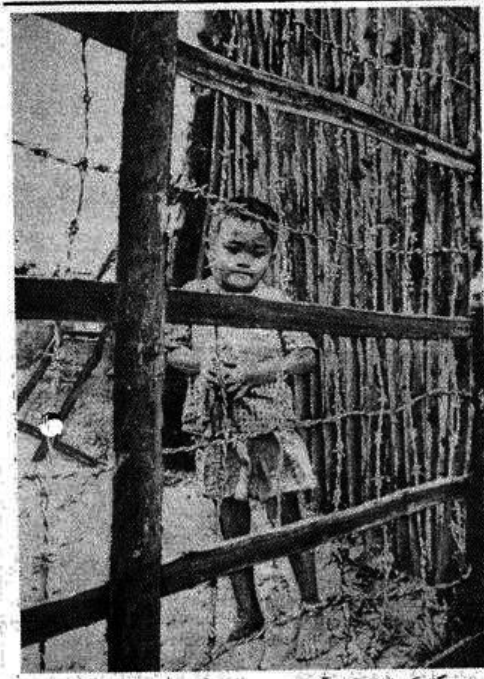

ای نوگلی که جای تو بستان آرزوست — دستی که بست پای نشاطت شکسته باد!